

عصر
روزنامه اجتماعی اقتصادی
شنبه
۲۶ خرداد ۱۴۰۳ • ۸ ذی الحجه ۱۴۴۵ • 15 Jun 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره سیصد و شصت و پنج
www.asrghanoon.ir

رئیس جمهور مطلوب معمار انقلاب کیست؟



بهترین قطب‌نما برای یافتن راه از بیراه، رجوع به افکار و اندیشه‌های امامین انقلاب است. شاخصه‌های رئیس‌جمهور مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) ...

۲

استمرار ریل سیاست خارجی



به نفع ایران است که ریل هم‌افزایی و هماهنگی بنیان نهاده شده در دولت آقای رئیسی تداوم پیدا کند.

۲

از عدالت سیاسی تا عدالت ساختاری



حضور پرنگ مردم در جمهوری اسلامی ماحصل ساختاری است که حضرت امام خمینی(ره) طراحی کرد که ویژگی‌ها و اهمیت این «ساختار سازی» موضوع این گفتار ماست.

۳

انتخابات پارلمان اروپا؛ شکست‌ها و پیروزی‌ها



تعامل اتحادیه اروپا با کشورهای عضو بریکس چگونه خواهد بود و ... باید منتظر تحولات و اخبار جدید از این دست باشیم.

۴

توسعه دیپلماسی اقتصادی توسط دولت آینده



هر دولتی باید روی اصول طراحی شده‌ی نظام و بر مبنای برنامه پیشرفت پنج ساله حرکت کند.

۵

تأیید مجوز حرفه‌ای باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس



با اعلام رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا، مجوز حرفه‌ای باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس تأیید شد.

۸

پزشکِ خرابکار

«مسعود پزشکیان» نامزد چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با بیان اینکه ما امروز یک قانون می‌نویسیم و به دلیل کارشناسی نبودن فردا آن را عوض می‌کنیم، گفت: من را اگر در اقتصاد بگذارید قطع به یقین خراب می‌کنم.

این نامزد چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با اشاره به اهداف سند نهایی چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران گفت: تمام دولت‌ها قرار بود ما را به این سیاست‌ها برسانند. چرا نرسیدیم؟ چون الزامات را رعایت نکردیم. یک عده به اسم کارشناس در سیستم هستند و کارشناس نیستند.

پزشکیان ادامه داد: سازمان امور مالیاتی خودش کمر تولید کننده را می‌شکند. وزارت صنعت و معدن هر روز یک بخشنامه ای صادر می‌کند و تولید کننده نمی‌داند چه خاکی بر سرش بریزد. تولید کننده نمی‌داند اگر سرمایه‌گذاری کند فردا چه بلایی سرش می‌آید.

وی با انتقاد از قوانین خلق الساعه و آدم‌های غیر کارشناس تاکید کرد: هیچ بیماری امکان ندارد وقتی مریض شد دنبال پزشک هم حزبی بگردد. ما دنبال کارشناس نگشتیم و آدم‌هایی را سر کار گذاشتیم که این کاره نبودند. خب معلوم است که نمی‌توانند راه حل بدهند. روابط خارجه را باید بدون تنش کنیم و با همه دعوا نکنیم. آدم‌هایی که آنجا نشستند بلد نبودند بروند صحبت کنند.

نامزد چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری افزود: در مذاکره با خارجی‌ها مشارکت ایجاد نمی‌کنند و سرمایه‌گذار را جذب نمی‌کنند. سرمایه‌گذار را پیشیمان می‌کنیم که در کشور ما سرمایه‌گذاری کند. اگر سرمایه‌گذاری خارجی بیاوریم، می‌توانند جلوی فشار را بگیرند.

پزشکِ خرابکار

پزشکیان: من جراح را برای اقتصاد بگذارید

کار را قطعاً خراب می‌کنم

استمرار ریل سیاست خارجی

معمولاً در نظام‌های سیاسی دنیا آمد و شد دولت‌ها در اصول سیاست خارجی کشورها تفاوت چندانی ایجاد نمی‌کند و تغییرات عمدتاً در تاکتیک‌ها و نحوه اجرای سیاست‌های مشخص شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. با این حال، یک حقیقت نیز وجود دارد و آن، اینکه نوع نگاه و نگرش مجریان سیاست خارجی به تحولات و بازیگران روابط بین‌الملل در تحقق اهداف سیاست خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند.

برای نمونه، هر چند وضعیت کنونی که در برجام پدید آمده، ناشی از خروج یکجانبه آمریکا از توافق هسته‌ای است، اما نمی‌توان از محاسبات و خطاهای صورت گرفته در درون کشور صرف‌نظر کرد؛ ترامپ آن روزی تصمیم قاطع به خروج از برجام گرفت که اطمینان یافته بود دولت ایران در برجام باقی می‌ماند. همان نظری که رئیس‌جمهور پیشین دقایقی بعد از اقدام ترامپ بیان کرد: «خوشحالم که یک موجود مزاحم از برجام خارج شده است.» روزنامه «ایران» نیز درست در فردای خروج آمریکا از توافق هسته‌ای در روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ با تیتر بزرگ نوشت: «برجام بدون مزاحم». شاید اگر محاسبات ترامپ از رفتارهای واکنشی ایران به صورت دیگری رقم می‌خورد، ریسک خروج از برجام برای او به شدت افزایش پیدا می‌کرد.

اهمیت نقش سیاست داخلی در سیاست خارجی تا آن حد است که گفته می‌شود هیچ پروژه‌ای در سیاست خارجی موفق نخواهد شد، مگر آنکه پیش از آن در درون یک نظام سیاسی اجماع نظر قاطع پدید آید و محاسبات و اقدامات صحیح طراحی و اجرایی شود. یکی از محاسن برجسته دولت سیزدهم درک این نکته مهم بود که در سیاست خارجی باید از همه ظرفیت‌های کشور به سود منافع ملی استفاده کرد. این البته امری رایج در همه نظام‌های سیاسی دنیا به حساب می‌آید. تجمیع و هم‌افزایی سیاست‌خارجی با توان دفاعی و امنیتی، بهره‌گیری از حمایت‌های مجلس شورای اسلامی و حتی بخش قضایی کشور و در رأس همه اینها هدایت‌های رهبری معظم انقلاب اسلامی بی‌تردید، امکانات و فرصت‌های بیشتری را در اختیار دستگاه سیاست خارجی قرار خواهد داد.

هنوز که هنوز است رئیس‌جمهور سابق قانون اقدام راهبردی مجلس شورای اسلامی را که برای بخش دیپلماسی کشور فرصت و ظرفیت تولید کرده است، مانعی بر سر راه معرفی می‌کند. قانون اقدام راهبردی نیز همان است که رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره کارکرد آن گفتند، تصویب این قانون کشور را از وضعیت سردرگمی خارج کرد. همچنین به تازگی رئیس دفتر رئیس‌جمهور دوره گذشته دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی را در حوزه سیاست خارجی به باد انتقاد گرفت. نمود این تعارضات داخلی در عرصه سیاست خارجی، به ضرر منافع ملی است؛ به نفع ایران است که ریل هم‌افزایی و هماهنگی بنیان نهاده شده در دولت آقای رئیسی تداوم پیدا کند.

«انتخابات و بازی‌های تخریبی: در جست‌وجوی راهی برای حفظ ثبات شناختی جامعه»



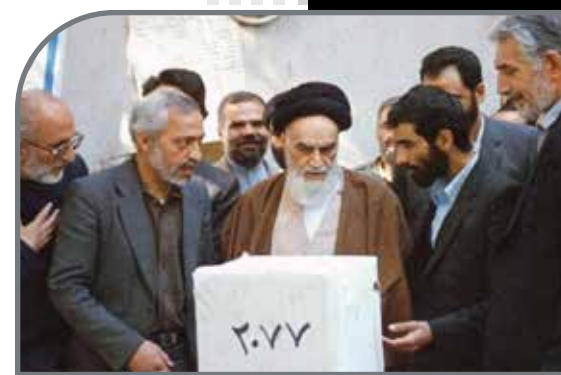
بهم زدن معادلات شناختی جامعه تنظیم می‌کنن با این فرض که دونسته‌ها رو به سایه‌ی ندونسته‌ها بهرن و نکاتی رو که جامعه بعد از سال‌ها آزمون و خطا بهش رسیده رو تبدیل به یه مجهول لاینحل و پیچیده کنن. البته این وسط یه سوال دیگه این هست که آیا معادله شناختی جامعه ایران بعد از تجربه چند تا انتخابات گذشته، از این بازی‌های تخریبی، تأثیر می‌گیره یا نه؟ این هم برای خودش معمای هست که توی این دوره، جواب دادن بهش به آسونی دوره‌های قبل نیست.

می‌دونم، این که چند روز مونده به انتخابات بخوایم از تغییر استانداردهای شناختی مردم و بستن راه روی بازی‌های تخریبی همیشگی حرف بزیم، یه مقدار دیره و یه سری کارها هست که اگر بخوان عملی بشن باید کم‌کم یه برنامه چهارساله منسجم براشون ریخت، تازه اونم شاید در میان‌مدت، ضریب یه سری مولفه‌های شناختی رو کمتر کنن و الاصل غلبه‌ی تحلیل واقع‌گرا و مدیریت هیجان در بزنگاه‌های اجتماعی، کارهای ریشه‌دارتر و اساسی‌تری رو می‌طلبن.

ولی با همه‌ی این اوصاف، شاید بشه توی همین چند روز هم یه کارهایی کرد که بازی تخریبی کاندیداهای زرتنگ رو تا حدی تحت‌الشعاع قرار داده و ثبات شناختی مردم رو تا روز انتخابات بالاتر برد. این راه چیه؟ شاید بشه اسمش رو گذاشت عملیات تخریب تخریب، یعنی این وسط یه عده تخریب‌چی نیاز هست که برخلاف رویکردهای معمول، چشم از افتخار کیف‌کشی و کت‌کشی و استخدام تضمینی توی این دستگاه و اون دستگاه، بشورن و مردونه بیان وسط کار و فارغ از این که قراره برای خودشون چه اتفاقی بیافته، بازی تخریبی کاندیداهایی رو که احساس زرتنگی می‌کنن و مردم رو دراز گوش فرض کردن، بهم بریزن که خب البته این تخریب‌چی بودن ظرافت‌های اخلاقی خاص خودش رو هم می‌خواد و تخریب‌چی سوای از خودگذشتگی باید خیلی مواظب باشه که عملیاتش رنگ و بوی تخریب نگیره که این وسط خودش و کل عملیات رو روی هوا ببره.

این دو سه روز به نکته‌ای که ذهنم رو درگیر کرده این هست که همه‌ی این مونولوگ‌های کاندیداهای توی این یکی دو شب و دیالوگ‌های پیش روی اون‌ها در مناظرات چند روز آینده، قراره چه چیزی رو عوض کنه؟ اساساً قراره چیزی رو عوض کنه؟ به فرض هم که عوض کنه، این چیز خوبیه یا بدیه؟ آره، شاید در مورد اون کاندیدی که ناشناسه، یه چیزهایی عوض بشه؛ مثلاً ادای این رو دربارۀه که قراره بزنه زیر میز بازی و این طوری یه بخشی از رأی قشر خاکستری رو فعال کنه و به نفع خودش به صحنه بیاره. ولی درمورد اون‌هایی که شناخته شده هستن، درمورد اونا چی، قراره چیزی تغییر کنه؟ مثلاً فرض کنید طرف چند سال شهردار فلان کلان‌شهر کشور بوده یا چهار سال رئیس قوه مقننه بوده، صحبت‌های این آقا قراره چیزی رو عوض کنه؟ آره، میشه طرف بیاد توی این چند روز فیلم بازی کنه، از چیزهایی حرف بزنه که عملاً توی تمام این سال‌ها نشون داده نه تنها تقیدی بهش نداره، بلکه کاملاً خلافش رو هم عمل کرده. مثلاً از سوت‌زنی برای فساد حرف بزنه و از شفافیت بگه، درحالی‌که نسبت این کاندید با همه‌ی این حرفای قشنگ، اظهار من‌الشمس هست.

البته شاید بشه از یه زاویه دیگه هم به ماجرا نگاه کرد. این که طرف خوب می‌دونه همه تقریباً می‌شناسنش و می‌دونن که جهادی بودنش پوستی هست که توش قایم شده و الا مدل مدیریتش، همون مدل مدیریت امثال کرباسچی هست که با پول پاشی بی‌حساب و کتاب، پروژه‌ها رو جلو می‌بره. ولی توی مونولوگ‌ها و دیالوگ‌های این چند روز، خودش و دور و بری‌هاش میان معادلات شناختی مردم رو با کثیف بازی کردن بهم می‌زنن و مدل درست مدیریت و اونچه واقعاً مدیریت جهادی هست رو با پهلپون پنبه بازی و کلمه‌های قشنگ قشنگ، زیر سوال می‌برن و مدل شتر گاو پلنگ خودشون رو به عنوان نسخه نجات ایران جا می‌زنن. آره، شاید واقعاً کارکرد این چند روز منتهی به انتخابات همینه، این که طرفین شدیدترین بازی‌های تخریبی رو برای



رئیس‌جمهور مطلوب معمار انقلاب کیست؟

انتخابات سرنوشت‌ساز ۸ تیرماه با تأیید صلاحیت شش نفر از کاندیداهای ریاست‌جمهوری از سوی شورای نگهبان وارد مرحله حساس خود شده است. قطعاً با شروع موسم تبلیغات شاهد وعده‌های کاندیدها خواهیم بود که بعضاً افراد را دچار سردرگمی می‌کند. بهترین قطب‌نما برای یافتن راه از بیراه، رجوع به افکار و اندیشه‌های امامین انقلاب است. شاخصه‌های رئیس‌جمهور مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) عبارتند از:

صالح و دیندار: یک رئیس‌جمهور باید «صددرصد مسلمان و معتقد به احکام اسلامی و معتقد به اجرای احکام اسلام و مخالف با مکتب‌های انحرافی و معتقد به جمهوری اسلامی باشد. اگر شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشد، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید و مشکلاتی اگر باشد، رفع می‌شود.»

مدیریت و توانمندی در اجرای امور: ضرورت داشتن ویژگی مدیر و مدیر بودن رئیس‌جمهور از آن روست که رئیس‌جمهور عهده‌دار مدیریت عالی اجرایی است و در واقع جایگاهی است که مرکز ثقل اندیشه‌ها، طرح‌ها و پیشنهادهاست و در حقیقت آخرین مرجع برای تجزیه و تحلیل، جمع‌بندی و تصمیم‌گیری برای عمل است. اخلاص در عمل: مراد از اخلاص آن است که کارها به انگیزه الهی و برای رضای خداوند باشد. از نظر امام، کار یک مسئول باید نه فقط رضای مردم، بلکه کسب رضای خداوند باشد. «هنر مردم شهرهای مختلف کشور این است که از میان این نامزدها، بهترین افراد را از لحاظ ایمان، اخلاص، امانت، دینداری و آمادگی برای حضور در میدان‌های انقلاب انتخاب کنند و به کسانی رأی دهند که نسبت به نیازهای مردم در دانش‌سازترین و دردمندترین افراد باشند.»

جدایی از جریان نفاق: امام خمینی (ره) در این باره می‌فرمایند: «همه چیز ما باید روی موازین اسلامی باشد. افرادی که تعیین می‌شوند، باید کسانی باشند که به درد اسلام و جمهوری اسلامی بخورند و عقیده‌شان هم این باشد که اسلام خوب است، نه فقط اظهار کنند، ولی عقیده نداشته باشند، کما اینکه در اول انقلاب، خیلی‌ها اظهار اسلام می‌کردند.»

ساده‌زیستی و دوری از اشرافی‌گری: یکی دیگر از اموری که همواره امام راحل مورد توجه قرار داده و احساس نگرانی و خطر کرده‌اند، رسوخ روحیه رفاه‌طلبی در مسئولان است، زیرا روحیه رفاه‌طلبی و راحت‌طلبی به صورت اصولی و متجوری بر تصمیمات انسان تأثیر دارد و او را وارد صحنه دیگری از حیات سیاسی و اجتماعی می‌کند.

حسن سابقه: در این زمینه امام عظیم‌الشأن می‌فرمایند: «مردم با بصیرت، درایت کاندیدها را شناسایی کرده و به سوابق، روحیات، خصوصیات دینی و سیاسی نامزدهای انتخابات توجه نمایند.» شورای نگهبان صلاحیت حداقلی کاندیدها را تأیید می‌کند؛ ولی صلاحیت حداکثری که به معنای انتخاب رئیس‌جمهور است، از جانب مردم به فرد منتخب اعطا می‌شود. به امید آنکه با عمل کردن به سفارش پدر فداکار و دلسوز انقلاب اسلامی، موجب پیشرفت و موفقیت روزافزون کشور شویم.

«برای خودمان بده» یعنی چی؟ این یک درس اخلاق نیست

علی مهدیان



مرور زیست با آن وضع‌ها را می‌پذیرید و از کاندیدای خودتان رنگ می‌گیرید. و این یعنی چی؟ یعنی عملاً ضعف‌های یک نفر را تبدیل میکنیم به یک پدیده کلان اجتماعی. مثال در این جهت زیاد در ذهن من و شما هست که چطور ضعف‌های شخص مورد علاقه مان را تبدیل به یک پدیده کلان اجتماعی کرده ایم و چوبش را هم خوردیم و می‌خوریم، کافی است مرور کنیم.

با دشمن برایتان کم اهمیت می‌شود و این می‌دانید یعنی چی؟ یعنی «عملاً» دوری از رهبری، چون در این افق می‌اندیشد و از سوی دیگر این «عملاً» مدد‌دهندگی به دشمن است و لو ادعایمان گوش فلک را کر کند مصداق لم تقولون ما لا تفعلون می‌شویم. بی‌ربط به رهبری و مدد‌کننده دشمن خواهیم شد. پناه بر خدا. اگر اساساً به ضعف‌های کاندیدای خود توجهی ندارید و از کنار آن ساده عبور می‌کنید به

چيست؟ ایجاد یک جریان دور از «عقلانیت» که معمولاً «اصل و فرع» را گم می‌کند. اگر خود را در دایره‌ی موضع جهل قرار می‌دهید یعنی به تهمت و دروغ نزدیک می‌شوید و این عملاً روحیه‌ای بی‌تقوا از ما خواهد ساخت و جریانی اجتماعی دور از معنویت و اخلاق شکل می‌دهد ولو به ظاهر آرماتنجو باشیم. اگر به دلیل انتخاب و علاقه به یک نفر، در نکاتی که از او آشنایی لازم ندارید خیال پردازانه آن را مطلوب جلوه می‌دهید، مثلاً عملکرد و مدیریتش را نمی‌شناسید اما ذهنی و خیالی آن را برای خودتان مطلوب جلوه می‌دهید، عملاً روحیه‌ای دور از عینیت و واقعیت و روحیه‌ای تخیلی و نه حق طلب شکل می‌دهید، این باعث احساس سرخوردگی و احساس بن بست در ادامه راه می‌شود و عملاً رغبت مردم را به مخالفین خودتان بیشتر می‌کنید. اگر اهل دعا و جدل و اختلاف و شکاف با رفقایان شده‌اید، روحیه تان دور از افق نگاه ملی و کلان می‌شود، و قدرت جامعه و تقابل

اگر برایتان و در ذهنتان حذف رقیب پررنگ‌تر از نشان دادن قوت و کارآمدی منتخب خودتان است، و به همین دلیل پرسش از کارآمدی منتخب شما و ضعف‌هایش را سرسری عبور می‌کنید، عملاً دارید در جان خودتان و در نفس جریان انقلابی روحیه «داغان‌کنندگی» را بر روحیه «سازندگی» مقدم می‌کنید. یعنی شما در حال ایجاد یک جریان «بی‌فایده» در فرآیند «پیشرفت» کشور هستید. امر بی‌فایده باقی نمی‌ماند و اما ما ینفع الناس فی‌المکث فی الارض. نابود شدن یعنی ریزش، یعنی تلفات، یعنی دور کردن مردم از خود، یعنی ایستادن مقابل مردم به جای جهت دادن به آنها. اگر توجّهتان به رای آوری کاندیدایان بیشتر از توجه به رشد مردم است، عملاً در حال ایجاد یک جریان دور از مردم‌سالاری دینی هستید. اگر پرداختن به حاشیه‌ها برایتان جدی است، بدانید عملاً دارید در خودتان شخصیتی دور از متن می‌سازید. شخصیتی خاله‌زنک. نتیجه‌اش

از عدالت سیاسی تا عدالت ساختاری

سید کاظم سید باقری

حضور و نقش آفرینی «مردم» در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی که مورد تأکید اندیشه اسلامی است در نظام جمهوری اسلامی به تحقق رسیده است. بل از انقلاب، مردم در جامعه و سیاست، از یک اقلیت به اکثریت تبدیل شدند. اما حضرت امام خمینی (ره) نظام جمهوری اسلامی را به گونه ای بنیان نهاد که به عنوان «انقلاب اسلامی» مردم را به مشارکت در امر حکومت و تعیین سرنوشت خود دعوت و ترغیب می کرد. حضور پررنگ مردم در جمهوری اسلامی حاصل ساختاری است که حضرت امام خمینی (ره) طراحی کرد که ویژگی های او اهمیت این «ساختار سیاسی» موضوع این گفتار است.

درصدی از عدالت و حقوق مردم تأمین شود. ویژگی نظریه مشروطه همین است که ساختاری ایجاد می کند که در آن، شاه دیگر قدرت مطلق نیست و شخص شاه هم باید قوانین را رعایت کند و قوانین باید در مجلس تصویب شود و مردم به آن رأی دهند.

ساختاری که حضرت امام خمینی (ره) طراحی کرد باعث انتقال قدرت به جامعه شد. وقتی در پاریس از حضرت امام خمینی (ره) می پرسند که نظام جمهوری اسلامی چگونه نظامی است، می فرمایند: «جمهوری» به همان معنای است که در همه دنیا به کار می رود که انتظار می رود مردم در همه امور جامعه نقش داشته باشند و مردم حق رأی و حق نظر و حق نقد و حق تعیین سرنوشت پیدا کنند. حضرت امام خمینی (ره) با بنیانگذاری نظام جمهوری اسلامی همه اینها را برای مردم به رسمیت می شناسند.

اهمیت عدالت سیاسی

در منشور فکری حضرت امام خمینی (ره) «عدالت سیاسی» با فراگیر شدن حقوق مردم در جامعه اسلامی محقق می شود. وقتی افراد به حقوق شایسته و بایسته خود دسترسی پیدا کنند و آزادی، حق نقد و حق تعیین سرنوشت در عرصه سیاست به آنان داده شود در واقع معیارهای عدالت سیاسی فضایی برای تحقق و ظهور پیدا می کند.

اینجا «حق بودن» موضوع بحث نیست بلکه «حق داشتن» مورد تأکید است؛ افراد و جامعه و شهروندان، دارای حق، امتیاز و موقعیت ممتازی هستند که باید آن را از مسئولان و کارگزاران خود مطالبه کنند. این همان «عدالت ساختاری» است که حضرت امام خمینی (ره) شالوده حرکت نظام سیاسی را بر مبنای آن گذاشتند و به همین دلیل است که همه امور در نظام جمهوری اسلامی به انتخاب مردم وابسته است حتی انتخاب رهبر؛ ولو اینکه با واسطه باشد. به همین دلیل است که در نظام جمهوری اسلامی شوراهای گوناگون سیاسی و نظارتی نقشی عمده دارند. در واقع شاه کلید عدالت سیاسی «نظارت» است.

ادبیات عدالت در نظام اسلامی

حضرت امام خمینی (ره) در پیامی که به مناسبت همه پرسی نظام جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ صادر کردند، فرمودند: «من در این روز مبارک، روز امامت امت و روز فتح و ظفر ملت، جمهوری اسلامی را اعلام می کنم» و وقتی حضرت امام (ره) روز استقرار جمهوری اسلامی را «روز امامت امت» می خوانند، این عبارت گویای شأن و منزلت مردم در منظومه فکری ایشان است.

«اجرای کردن عدالت در جامعه اسلامی» گرانگه اصلی اندیشه سیاسی اسلام است که با حضور و مشارکت مردم عملیاتی می شود و حضرت امام خمینی (ره) با تأسیس نظام جمهوری اسلامی بر این مبنای حرکت کردند. قبل از انقلاب اسلامی قدرت در ساختاری هرمی سامان می یافت اما حضرت امام خمینی (ره) با ساختاری که بنیان گذاشتند قدرت را در جامعه منتشر کردند چنانکه قدرت از «کیستی قدرت» به «چگونگی قدرت» منتقل شد و همین امر ادبیات عدالت در نظام اسلامی را متفاوت کرده است.

ساختار آمدن کردن عدالت

حضرت امام خمینی (ره) نقش و جایگاه «ساختار» را در بحث عدالت تبیین می کنند و اینچنین عدالت را ساختارمند می کنند. ایشان در عین التزام به عدالت فردی و عدالت اجتماعی بر «عدالت ساختاری» تأکید می گذارند. آنچه در عدالت ساختاری نقش محوری دارد نه فرد «حاکم» و خواست او، بلکه «ساختاری» است که روند امور را به سمت عدالت هدایت می کند. وقتی قدرت از «پادشاهی» به «جمهوری» تغییر می کند در واقع بستری فراهم می شود تا مردم به حقوق شایسته و حق شهروندی خود برسند و اهمیت ساختار در اینجا بیشتر نمایان می شود.

چنین ساختارسازی را مرحوم نائینی در نظام مشروطه سلطنتی هم دنبال کرد. او معتقد بود حال که نمی توانیم نظام شاهنشاهی را به طور کامل عوض کنیم حداقل باید قدرتش را محدود و مشروط کنیم تا



از هواداری سیاه تا جان فداهای خمینی

محسن مهدیان

هواداری در انتخابات یک ارزش است؛ به شرط اینکه به آدایش وفادار باشیم. و اگر نه به دعوی پرهیاهوی تیفوسی ها در ورزشگاه تقلیل می یابد. خاصه در این انتخابات که میراث شهید جمهور حکم می کند اخلاق انتخاباتی تا پای صندوق رای حاکم باشد؛ بلکه بی اخلاقی های انتخابات گذشته از جمله مجلس تا حدی از حافظه مشترک اجتماعی حذف شود. اما مرز هواداری ممدوح با مذموم چیست.

۱. هواداری برای کسب هویت

هواداری ممدوح زمانی است که فرد، برای تحقق یک ارزش یا آرمان هوادار می شود. چنین هواداری هیچ گاه در مسیر طرفداری دچار تعصب کور و تعطیلی خرد نمی شود. اما برعکس؛ هواداری مذموم زمانی است که فرد با هواداری برای خودش هویت اجتماعی کسب می کند. اینجا ملاک خودش است نه آرمانش.

هواداری وقتی تبدیل به هویت اجتماعی شود، هر نوع پیروزی یا شکستی منجر به انطباق حس مثبت و منفی در عزت نفس او می شود، با هواداری حس سرخوشی پیدا می کند و قدرت توهمی و عزت خیالی می گیرد، لذا از هر نوع مانعی برای پیروزی هراسناک است.

۲. کوررنگی و دوقطبی اهورا-اهریمن

هواداری سیاه جن در دوقطبی ها زیست نمی کند. دوگانه های از جنس اهریمن و اهورا، دیوان و پریان. در این دوقطبی ها برد در حذف دیگری است نه رقابت با او. در رقابت سازنده برخلاف دوقطبی شکننده، حذف صورت نمی گیرد بلکه رقابت ها منجر به رشد آگاهی و انتخاب مخاطب می شود. هواداری سیاه دچار کوررنگی و ندیدن اشکالات می شود و تعصب شدید مقابل نقدها پیدا می کند. هر کس با او همراه شود، به او عشق می ورزد و حتی تفاوت ها را نمی بیند و هر کس او را نقد کند به او نفرت می ورزد و حتی مشترکات را نمی بیند. نکات مثبت رقیب را نمی بیند و به کمتر از تکفیر او فکر نمی کند. برای او کل کل بسیار جذاب تر و دلنشین تر از گفت و گو است. با کل کل رجز می خواند و خود را به رخ می کشد و تلاش می کند قدرتش را تحمیل کند.

۳. هواداری و جهل مشترک اجتماعی

افراد با هواداری، همدیگر را یافته و حس قدرت مشترک پیدا می کنند؛ حسی فراتر از حس فردی. بغض جمعی و حیرت جمعی و لذت جمعی و نفرت جمعی و غیره ... حس مشترک جمعی، قدرتی فراتر از حس فردی دارد. نترسید نترسید ما همه با هم هستیم بخاطر حس مقاومت جمعی است که فراتر از حس تاب آوری فردی است.

کارکرد اصلی حس مشترک جمعی اینست که فرد خود را از فکر کردن بی نیاز می بیند و مأموریت فکر کردن را به جمع می سپارد و هر کاری جمع انجام می دهد برایش مشروع می شود. مثلاً خیلی وقت ها افراد در اعتراضات خیابانی دست به خشونت هایی می زنند که اگر در خلوت، رفتارشان را مرور کنند دچار پشیمانی می شوند. در فضای مجازی نیز همین است. می بیند همه یک نفر را تکفیر می کنند و او چشم بسته همراه می شود.

دست آخر اینکه؛ هواداری ممدوح مثل جان فداهای خمینی هستند که پای منبرش از شدت علاقه، اشک می ریختند اما آنقدر امام به عقلانیت آنها اعتماد داشت که می گفت اگر از من خطایی سر بزند همین مردم جلوی مرا خواهند گرفت. و نکته ظریف و نهایی ماجرا همینجاست؛ اینکه نامزدهای انتخاباتی روی هیجان هوادار حساب کنند و رفتار غیرارادی او را تحریک کنند یا روی عقلانیت و اراده منطقی او.



اهمیت دست کارگر از ان نظام

با اینکه حضرت امام خمینی (ره) بر عدالت فردی و عدالت فقهی تأکید ویژه داشتند اما عملاً در طراحی نظام سیاسی به سمتی می روند که ساختاری بنیان گذاشته شود و ساختار جامعه اسلامی به سمت «عدالت سیاسی» برود تا احقاق حقوق شهروندان فراهم شود. این مقدمات صورت گرفت تا ما به فرایندی برای شایسته پروری و شایسته سالاری برای تحقق عدالت سیاسی برسیم. بنابراین یکی از معیارهای عدالت سیاسی «شایسته سالاری» است که در اندیشه سیاسی-اجتماعی حضرت امام خمینی (ره) جایگاه ویژه ای دارد.

حضرت امام خمینی (ره) از کارگزاران نظام اسلامی به عنوان «امانتداران این نظام» یاد می کنند. بنابراین قدرت را امانتی در دست کارگزاران نظام می دانند که باید به نسل آینده واگذار شود: «من کراراً به آقایان عرض کرده ام و حالا هم باز تکرار می کنم که خدمتگزار باشید به این ملتی که آن دست های خیاثکار را قطع کرد و این امانت را به شما سپرد.

شما الان امانت بزرگی از دست این ملت تحویل گرفتید و مقتضای امانتداری این است که آن را به طور شایسته حفظ کنید و به طور شایسته به نسل آینده و دولت های آینده تحویل دهید تا مادامی که این طور باشید ملت پشت شماست و تا مادامی که ملت همراه شما باشد هیچ آسیبی به شما و کشور نمی رسد.» با این سازه پیشرو و پویایی که حضرت امام خمینی (ره) طراحی کردند به سمت اهداف متعالی حرکت خواهیم کرد که «عدالت ساختاری» یکی از متعالی ترین آنهاست.

مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر سید کاظم سید باقری با عنوان «بازخوانی اندیشه سیاسی-اجتماعی حضرت امام خمینی (ره)» است.

جمهوری اسلامی ایران، کشتی طوفان زیست

سید آرش وکیلیان

گر مرد رهی میان خون باید رفت
وز پای فتاده سرنگون باید رفت
تو پای به ره در نه و از هیچ میرس
خود راه بگویدت که چون باید رفت (عطار)

این روزها تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری در جریان است و نامزدها در آرایه وعده های جذاب برای حل همزمان همه مشکلات از هم پیشی می گیرند. اما در کلیت ماجرا چقدر این وعده ها میسر است؟!

به نظر من جمهوری اسلامی ایران به علت تعارضات اساسی با نظام جهانی سرمایه داری یک کشتی طوفان زیست در این اقیانوس بزرگ است که هیچ بندر امنی برای پهلو گرفتن ندارد، اما همزمان می تواند از دل طوفان ها عبور کند.

سال هاست که مسئولان به خصوص در هنگامه انتخابات مدام وعده بندر امن به مردم داده اند و ناکامی آنها منجر به ناامیدی مردم شده است، لذا لازم است که موارد زیر به روشنی با مردم مطرح شود:

- ۱- مردم سرنشینان کشتی هستند نه مسافران آن، لذا نسبت به وضعیت کشتی مسئولند.
- ۲- فعلاً هیچ عامل قوی براندازی در واقعیت وجود ندارد، لذا اینکه دو ماه دیگر اوضاع دگرگون می شود یک سراب واهی است.
- ۳- این کشتی برای طوفان طراحی شده و منابع کشتی برای زیست در طوفان کافی است اما برای ایجاد احساس آرامش در بندر امن بودن، بسیار کم است.
- ۴- فساد، سوء مدیریت و تمایل به راضی کردن سرنشینان سبب شده ناخدایان کشتی منابع بسیار ارزشمند را ارزان تلف کنند. (پارانه مصرف بنزین ارزان تر از آب)
- ۵- با مدیریت صحیح و سالم می توان تعارضات را کاهش داد، اختلافات را کم کرد و منابع حیاتی را در جای درستش مصرف کرد اما نمی توان یک بندر امن برای کشتی خلق کرد.



نقش پنهان آمریکایی ها در سیاست ایران

مجید بهستانی

چند سال قبل دکتر مظفر نامدار از حلقه مدیریتی ماساچوستیها در ساختار اداری عصر پهلوی پرده برداشت؛ جمعی از دانش آموختگان دانشگاه های آمریکا عموماً TIM، که در سه دهه واپسین آرام آرام در ارکان حکومتی ارشد و میانی رشد کردند. به او «پچه های وارن» هم می گوید زیرا با کمک سازمان اصل ۴ ترومن در ایران جای پا باز کردند. حلقه های دیگر مثل حزب ایران نوین و کانون مترقی، یا انجمن فارغ التحصیلان ایران و آمریکا به آن نفرت باری می رسانند. قدرت آنها بدانجا رسید که گاه میان آنها و شاه تعارض و اختلاف شدید پیش می آمد و شاه بدانها بدگمان بود.

رابین رایت می گوید قدرت دانش آموختگان دانشگاه های آمریکایی کمتر نشد تا آنجا که می نویسد برخی می گفتند فارغ التحصیلان کالیفرنیا تخت عنوان «مافیای برکلی» سیاست اداره کشور را اداره می کند. (آخرین انقلاب بزرگ، ۱۳۸۰، ۲۶۲).



نهمین ماه جنگ؛ وضعیت بالینی اسرائیل

محمد ایمانی

وضعیت اسرائیل در آغاز نهمین ماه جنگ چگونه است؟ دستور جنون آمیز نتانیاوو به ارتش برای جنایت در اردوگاه النصیرات و آزادی چهار نفر از اسیران، برخی تحلیلگران را به این گمان انداخت که او توانسته ابتکار عمل را به دست بگیرد و به جبهه از هم گسیخته داخلی را برای ادامه جنگ، انسجام ببخشد.

فلا از این نکته در می‌گذریم که ارتش اسرائیل طی چند ماه گذشته، به نام آزادی گروگان‌ها، ۷۰ نفر از آنها را کشته و بیش از ۶۳۴ نفر از نظامیان و کماندوهای خود را هم به کام مرگ کشانده است؛ و در عملیات اخیر، بیش از ۶۰۰ غیر نظامی را به خاک و خون کشید و بی‌حیثیتی دیگری بر جا گذاشت. اما همین عملیات هالیوودی بر خلاف تصور، موجب انسجام در جبهه داخلی و به ویژه در کابینه ائتلافی نتانیاوو نشد. به فاصله یک روز از آزادی پر هیاهو و پر حاشیه ۴ اسیر - که با کشته شدن سه اسیر دیگر، و یک فرمانده یگان کماندویی همراه بود- ۳ عضو کابینه جنگ شامل بنی گانتز، گادی آیزنکوت و هیلوی ترورپر، به علاوه آوی روزنفلد فرمانده لشکر غزه در ارتش، اعلام استفا کردند. این استعفا ها گرچه هنوز کابینه را از اکثریت نیانداخته، اما مقدمات استعفای دیگر مخالفان نتانیاوو و فروپاشی کابینه را فراهم کرده است. نتانیاوو، در واکنش گفت: «اکنون زمان مناسبی برای استعفا نبود، بلکه زمان وحدت بود». اما بنی گانتز ضمن تاکید بر برگزاری انتخابات زودهنگام پاسخ داد: «حضور من در کابینه، صرفاً به‌خاطر سرنوشت مشترک بود، نه شراکت سیاسی. این خروج، تصمیم سخت و دردناکی است. نتانیاوو به خاطر منافع خود، مانع از اتخاذ تصمیمات استراتژیک شد». پس از این دو مینوی استعفا، آویگدور لیبرمن، وزیر جنگ اسبق اظهار کرد: «اعلام گانتز در خروج از دولت، اقدام خوبی بود. اینکه دیر بیایی، بهتر از هرگز نیامدن است». موشه یعلون، دیگر وزیر جنگ پیشین هم گفته است: «دولت متوهم و فاسد نتانیاوو با رفتن گانتز و آیزنکوت، مشروعیت خود را از دست داده است. کابینه او، کابینه جنایتکاران است. دولتی که منجر به بدترین شکست امنیتی در تاریخ ما شد، هیچ برنامه یا تمایلی برای خروج از بحران ندارد».

همزمان با موج استعفا، دیروز خبر آمد که یک نظامی صهیونیست دیگر به خاطر فشارهای روحی و دریافت دستور بازگشت دوباره به میدان جنگ، خودکشی کرده است. «لیران میزراحی»، همین چند هفته قبل با میل خانه «یحیی سنوار»، عکس یادگاری هالیوود گرفته بود؛ نتانیاوو، اکتبر پارسال مدعی بود ظرف چند هفته، کار غزه را تمام می‌کند. اما ۸ ماه بعد، در حالی که اتباع عاریه ای اسرائیل زیر بار فشاری کمرشکن قرار دارند، «تراخی هانگی» مشاور امنیت ملی نتانیاوو گفت: «جنگ، حداقل تا پایان سال (۷ ماه دیگر) ادامه خواهد داشت».

هدفی که به آن نخواهند رسید

ابهامی که همیشه مطرح است اینکه " رژیم پیروز است چون ۱۱ تعداد را کشته و غزه را هم تلی از خاک کرده". پاسخ‌ها به این مسئله زیاد است اما فارغ از بحث عدم تحقق اهداف بمباران و کشتار وسیع، نکته مهم این است که همین شیوه، خود تبدیل به مانعی در راه اجرای اهداف رژیم شده است. شاید بتوان گفت یک هدف مهم دشمن، شورش مردم غزه علیه حماس با هدف ایجاد یک ساختار اداره مدنی غیرمقاومتی با هدف حذف کامل حماس از غزه است. اما این بمباران‌ها نتیجه عکس داشته زیرا جنایت از حد خود خارج شده و عملاً هر چیز که از حد خود خارج شود، ضد کارکردش را تولید می‌کند. شاید اگر میزان بمباران غزه چندین درصد کمتر بود، اسرائیل می‌توانست امید به شورش حداقل مخالفان حماس بر علیه حماس داشته باشد اما جنایت جداکنری باعث شده تا حتی خانواده‌های مخالف سنتی حماس و خانواده‌گان کشته‌شدگان جنگ داخلی و ... نیز پشت مقاومت باشند.

گفته می‌شود چندی قبل غسان علیان، هماهنگ کننده دولت رژیم در فلسطین، با یکی از بزرگان خاندان آل دلول که از قبیله‌های مستقل و سرشناس غزه است تماس گرفته و درخواست کرده در تیم جایگزین حماس برای توزیع کمک‌ها باشند که وی رد کرده و علیان گفته آیا می‌ترسی حماس تو را بکشد؟ آن فرد در پاسخ گفته من از حماس و غیرحماس نمی‌ترسم اما فرزندان و نوه‌هایم اگر بفهمند با شما همکاری کردم من شلیک می‌کنم!

روزهای سخت‌تر در انتظار صهیونیست‌ها



ارتش رژیم صهیونیستی هشت ماه است که با سلاح‌های آمریکایی - اروپایی نوار غزه را بمباران می‌کند و تا به الان نزدیک ۳۷ هزار نفر را به شهادت رسانده، اما هنوز نتوانسته است به پیروزی برسد که البته از این پس هم نخواهد توانست. ایستادگی و مقاومت مردم و حماس، ارتش رژیم صهیونیستی را در میدان و دولت نتانیاوو و بایدن را بین افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی با شکست روبه‌رو کرده است. این وضعیت را مقایسه کنید با ۵۷ سال قبل که در آن، ارتش صهیونیست در جریان جنگ شش روزه، طی یک حمله غافلگیرکننده به سه ارتش بزرگ عربی (مصر، سوریه و اردن) شکست سختی بر آنها تحمیل کرد، اما سخت‌تر از این شکست، صحرای سینا را از مصر، بلندی‌های جولان را از سوریه و کرانه باختری را از اردن به اشغال خود درآورد و همچنین بعد از سال‌ها، نظامیان صهیونیست وارد شهر قدیمی قدس و صحن مسجدالاقصی شدند. پس از آن صهیونیست‌ها در قالب راهپیمایی موسوم به راهپیمای پرچم به سمت مسجدالاقصی حرکت می‌کنند.

این رفتار صهیونیست‌ها که در سال ۲۰۰۰ به انتفاضه الاقصی منجر شد، انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۴ نیز با خشم مردم کرانه باختری، به یک جنبش جدید و آغاز مرحله جدیدی از عملیات‌های ضد صهیونیسم تبدیل شود. کرانه باختری از سال‌ها قبل با تمرکز گروه‌های مقاومت فلسطینی تا حد زیادی مسلح شده و این خطر برای صهیونیست‌ها احساس می‌شود که فعال شدن این جبهه بخش زیادی از توان نظامی این رژیم را از غزه به سمت این منطقه منحرف کند.

نکته مهم و اساسی در وضعیت فعلی این است که برخلاف ۵۷ سال پیش که صهیونیست‌ها توانستند ارتش سه کشور عربی را شکست دهند، ولی امروز بعد از ۲۴۰ روز، توان پیروزی در یک محدوده‌ای به اسم نوار غزه را ندارند. این یعنی صهیونیست‌ها روز به روز در مقابل محور مقاومت که تنها بخش کوچکی از آن در غزه قرار دارد، ناتوان‌تر و روحیه و انگیزه شکست رژیم صهیونیستی روز به روز تقویت شده است. از این منظر است که می‌توان دریافت رژیم اشغالگر و کودک‌کش صهیونیستی آینده‌ای در فلسطین و بیت‌المقدس نخواهد داشت و هرچه هم تلاش کند در غزه پیروز شود، به همان اندازه به پایان خود نزدیک می‌شود.

در کرانه باختری، لبنان، سوریه، عراق، یمن و ... انگیزه‌های کافی برای مقابله با رژیم اشغالگر صهیونیستی وجود دارد که روز به روز تلاش می‌کنند شرایط منطقه را تغییر دهند و آینده سخت و تاریک که نویدبخش پایان عمر صهیونیسم در منطقه است و آغازی دوباره برای فلسطین است، در انتظار همگان است. «ان مع العسر یسر»

این رفتار صهیونیست‌ها که در سال ۲۰۰۰ به انتفاضه الاقصی منجر شد، انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۴ نیز با خشم مردم کرانه باختری، به یک جنبش جدید و آغاز مرحله جدیدی از عملیات‌های ضد صهیونیسم تبدیل شود. کرانه باختری از سال‌ها قبل با تمرکز گروه‌های مقاومت فلسطینی تا حد زیادی مسلح شده و این خطر برای صهیونیست‌ها احساس می‌شود که فعال شدن این جبهه بخش زیادی از توان نظامی این رژیم را از غزه به سمت این منطقه منحرف کند.

این رفتار صهیونیست‌ها که در سال ۲۰۰۰ به انتفاضه الاقصی منجر شد، انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۴ نیز با خشم مردم کرانه باختری، به یک جنبش جدید و آغاز مرحله جدیدی از عملیات‌های ضد صهیونیسم تبدیل شود. کرانه باختری از سال‌ها قبل با تمرکز گروه‌های مقاومت فلسطینی تا حد زیادی مسلح شده و این خطر برای صهیونیست‌ها احساس می‌شود که فعال شدن این جبهه بخش زیادی از توان نظامی این رژیم را از غزه به سمت این منطقه منحرف کند.

این رفتار صهیونیست‌ها که در سال ۲۰۰۰ به انتفاضه الاقصی منجر شد، انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۴ نیز با خشم مردم کرانه باختری، به یک جنبش جدید و آغاز مرحله جدیدی از عملیات‌های ضد صهیونیسم تبدیل شود. کرانه باختری از سال‌ها قبل با تمرکز گروه‌های مقاومت فلسطینی تا حد زیادی مسلح شده و این خطر برای صهیونیست‌ها احساس می‌شود که فعال شدن این جبهه بخش زیادی از توان نظامی این رژیم را از غزه به سمت این منطقه منحرف کند.

جزئیاتی از عملیات النصیرات

۱. برنامه‌ریزی عملیات فوق از یک ماه پیش انجام شده و یک هفته قبل از آن نیز هماهنگی‌ها میان نتانیاوو، هالوی، هالیوا و آلون انجام شده است. انتخاب تاریخ عملیات در روزی که بنی گانتز قرار بود از دولت خارج شود، حاکی از بُعد سیاسی طراحی فوق است. همچنین از یک هفته قبل نیز ارتش رژیم محورهای ایذایی در دیرالبلحو المغازی و البریح گشوده بود.

۲. در ساعت ۱۱ صبح روز شنبه که شلوغ‌ترین ساعات بازار النصیرات است، دو خودرو مبدل به کمک‌رسانی و پناهندگان وارد شده و در کنار دو خانه محل نگهداری اسرا که فاصله ۲۰۰ متری داشتند، پارک می‌کنند و نیروهای ویژه با استفاده از تجهیزات همراه از دیوار بالا رفته و وارد منازل می‌شوند.

۳. پس از پارک ماشین‌ها، کمربند آتشین توسط صدها جنگنده، تانک، توپخانه هویتزر و کوادکوپتر رژیم ایجاد شده که باعث انهدام ۸۰ منزل می‌شود. توصیف واقعه از سوی ساکنان دردناک است و گفته می‌شود عملاً هر جنبنده نهایتاً توسط کوادها هدف قرار گرفته که منجر به ۲۷۴ شهید شامل ۶۴ کودک، ۵۷ زن و ۳۷ سالمند و زخمی شدن ۶۹۸ نفر دیگر شامل ۱۵۳ کودک، ۱۶۱ زن و ۵۴ سالمند می‌شود.

۴. نقش اطلاعاتی و عملیاتی نیروهای آمریکایی و انگلیسی واضح است.

۵. هر چند عملیات فوق دستاوردی تاکتیکی و نمایشی برای نتانیاوو به دنبال داشت اما این دستاوردسازی هیچ ارزش راهبردی نداشت و کمتر از ۲۴ ساعت بعد، تظاهرات هزاران نفری در تل‌آویو و خروج گانتز و آیزنکوت از کابینه جنگ نشان داد ماهیت میدان تغییر نکرده.

۶. جنایت فوق هیچ تغییری در موضع مقاومت در میز مذاکرات به وجود نیاورد بلکه باعث اتحاد بیشتر حماس و جهاد در مواضع و تاکید بیش از پیش بر تضمین کتبی پایان جنگ، خروج اشغالگر، رفع حصر و آغاز روند بازسازی و آزادی زندانیان شد.

۷. در همین راستا اعتماد مقاومت فلسطین به آمریکا به عنوان یک میانجی مستقل در مذاکرات به شدت کاهش یافت. بایدن چند روز پیش از تضمین شفاهی خود برای پایان جنگ گفته بود؛ همکاری کامل در جنایت فوق نشان داد بازی دوگانه سیاسی - نظامی آمریکا همچنان ادامه دارد. از سرگیری هدف قرار دادن مواضع آمریکایی در منطقه بیش از پیش نزدیک است.

۸. خود مقاومت در غزه نیز توانست حمله فوق را جذب کرده و با تجربه‌گیری پدافندی از یورش فوق، مکانیزم حفاظت از اسرا را بهبود دهد. همچنین دستورکار آفندی افزایش کمین‌ها و اسیرگیری از سربازان صهیونیست نیز تشدید شده است.

۹. جبهه‌های پشتیبانی نیز در آخرین مصوبات خود تاکید داشتند که پس از مطالعه دقیق وضعیت فلسطین، به تشدید و عملیات مشترک متناسب با هدف محاصره و همچنین فشار بر متحدین رژیم با تاکید بر آمریکا بپردازند.

انتخابات پارلمان اروپا؛ شکست‌ها و پیروزی‌ها

محسن صیاد قنبری



شهروندان ۲۷ کشور اروپایی در انتخابات پارلمان اروپا برای انتخاب ۷۲۰ نماینده خود پای صندوق‌های رأی رفتند. بین ۳۶۰ تا ۳۷۳ میلیون نفر واجد شرکت در انتخابات و رأی‌گیری بودند. اما نکته مهم، نتایج انتخابات در دو کشور فرانسه و آلمان است که از قضا بیشترین کرسی‌های نمایندگی پارلمان اروپا را در اختیار دارند و احزاب دولت‌های آنها نتایج خوبی را کسب نمودند که اگر بگوییم این نتایج برای اروپا مثل یک زلزله بوده است اغراق نکرده ایم.

در فرانسه شکست سنگین حزب «رنسانس» متعلق به رئیس‌جمهور فرانسه در انتخابات پارلمان اروپا در برابر راست‌گرایان مارین لوپن، امانوئل مکررون را وادار به انحلال پارلمان کرد؛ تصمیم مهمی که به اعتقاد بسیاری برای امانوئل ممکن است حکم قمار را داشته باشد. مکررون خطاب به مردمش گفت: «تصمیم گرفتم تعیین آینده پارلمان را به رأی شما بازگردانم. بنابراین مجمع ملی را منحل می‌کنم. تصمیم جدی و سنگینی است اما مهم‌تر از همه، مسئله اعتماد به شماس».

اینها بخشی از سخنان امانوئل مکررون پس از شکست حزب «رنسانس» وی در برابر حزب راست مکررون است که در پی آن ملی‌سازی شرکت‌های بزرگ می‌باشد و سرمایه‌گذاران در شرکت‌های بزرگ فعال در بخش‌های مختلف از جمله انرژی از این بابت که منجر به نظارت دقیق‌تر بر برخی فعالیت شرکت‌ها خواهد شد نگرانند.

بحران انرژی، مسأله مهاجرت و ... از جمله مواردی است که در دستور کار این اتحادیه می‌باشد. صدر اعظم آلمان هم با ابراز نگرانی از این نتایج در کشورش هشدار داد که نتایج انتخابات اتحادیه اروپا برای همه احزاب ائتلاف دولت آلمان بد بوده است.

نتیجه انتخابات پارلمان اروپا برای «حزب اجتماع ملی» فرانسه بسیار مهم است چرا که پس از مدت‌ها در حاشیه قرار گرفتن اینبار برای پیروزی در این انتخابات زودهنگام بسیار امیدوار می‌باشد تا بلکه قدرت را از دست مکررون بگیرد. البته یکی از ابعاد زلزله انتخابات اروپا در فرانسه سقوط بورس در پاریس است و علت آن احتمال قدرت گرفتن حزب رقیب و در پی آن ملی‌سازی شرکت‌های بزرگ می‌باشد و سرمایه‌گذاران در شرکت‌های بزرگ فعال در بخش‌های مختلف از جمله انرژی از این بابت که منجر به نظارت دقیق‌تر بر برخی فعالیت شرکت‌ها خواهد شد نگرانند.

نتایج انتخابات پارلمان اروپا حاکی از در راه بودن تحولات جدید در سیاست‌های اتحادیه اروپا خواهد بود. جنگ اوکراین، تغییرات آب و هوا، روسیه می‌باشد. البته روس‌ها خرسند از این

نتایج هستند و آن را نتیجه سیاست های غلط اروپایی ها در ادامه جنگ اوکراین با کشورش و همچنین نتیجه چندین سال بی‌توجهی به نیازهای واقعی مردم و جامعه می‌دانند. راست‌گرایان در مواجهه با آمریکا در جنگ اوکراین چه تصمیماتی را خواهند گرفت؟ آیا لوپن بعد از چندین بار ناکامی در کنکور! انتخابات فرانسه اینبار به همراه جردن باردلا پیروز خواهد شد؟ تعامل اتحادیه اروپا با کشورهای عضو بریکس چگونه خواهد بود و ... باید منتظر تحولات و اخبار جدید از این دست باشیم.

به نظر می‌رسد یکی از پیام‌های شکست احزاب حاکم در فرانسه و آلمان و در چند کشور دیگر به خاطر سیاست‌های جنگ طلبانه دولت‌های آنان در جنگ اوکراین با روسیه می‌باشد. البته روس‌ها خرسند از این



اقتصاد سیاسی فساد در دولت رانتیر نفتی

سید آرش وکیلان

اخیرا بحث فساد چای دیش مطرح شد و پیشتر هم موارد متعدد دیگر که سبب شده همه بپرسند چطور و چرا باید فساد در این حجم و این سطح به سهولت رخ دهد؟

اگر جواب های ساده سازی شده که تقصیر فلان کس یا بهمان گروه است را کنار بگذاریم، واقعیت این است اشکالی از فساد جزو طبیعت دولت رانتیر نفتی است و در این مطلب می‌کوشم آن را توضیح دهم و به قول اطباء سنتی برای درمان آن باید این مزاج اصلاح شود.

مقصود از فساد تصاحب منابع توسط افراد و سازمان هایی است که ذی حق نیستند و این فساد دو شکل قانونی و غیرقانونی دارد. در شکل آشنای غیرقانونی اختلاس، ارتشا و جرایمی نظیر آن رخ داده که با تقویت قوانین سلامت اداری و مبارزه با فساد یا توسعه ابزارهای دولت هوشمند و کاهش نقش عوامل انسانی و ارتقای شفافیت می توان با

آن مبارزه کرد چون این شکل از فساد عارضی است. اما فساد قانونی اتفاقا در اجرای دقیق قانون رخ میدهد. یعنی مثلا کارخانه یا فرودگاه جایی ساخته میشود که توجیه اقتصادی ندارد تا مردم آن حوزه انتخابیه راضی شوند یا ارز ترجیحی به کالایی تخصیص می یابد که ضرورت ندارد و یارانه ها به افرادی داده میشود که ثروتمندتر هستند و یا اشکال خاصی از درآمدزایی نظیر سود سپرده ها از مالیات معاف میشود. اما چرا!؟

اگر تعریف ساده علم اقتصاد را دانش تخصیص بهینه منابع در نظر بگیریم، اقتصاد سیاسی را می توان تاثیر قدرت در کسب بهره بیشتر دانست یا به تعبیر ساده تر چه کسی با کاربرد چه روشی سهم بیشتری از منابع را تصاحب می کند.

برای مطالعه اقتصاد سیاسی فساد در هر کشور باید ماهیت دولت آن را از حیث رابطه قدرت و ثروت یا شیوه تخصیص منابع مطالعه کرد. دولت رانتیر نفتی نوعی از دولت است که صرفنظر از شکل نظام سیاسی در کشورهای خاورمیانه رواج دارد. دولت رانت خوار را اصطلاحا دولتی می نامند که سهم قابل توجهی از درآمد خود را از یک منبع خارجی کسب میکند و نه مالیات یا عوارض صادرات و نظایر آن. در خصوص دولت های رانت خوار نفتی و تاثیر این درآمد بر توسعه نیافتگی، فساد اقتصاد و کاهش حقوق شهروندی مطالعات فراوانی طی دهه های اخیر شده است. جالب است که افزایش درآمدهای نفتی در ایران هم در دهه ۱۳۵۰ و هم در دهه ۱۳۸۰ منجر به بحران های اجتماعی اقتصادی شد که نشان میدهد چقدر این منبع درآمدی چالش برانگیز است.

چنانکه در فیلم کوتاه زیر مالک شریعتی نماینده مجلس توضیح میدهد یکی از عوامل اصلی فساد آن است که حجم بزرگی از درآمدها در دولت پنهان می ماند اما مسأله بدتر از این است و حتی اگر این منابع وارد بودجه عمومی دولت شود مشکل حل نمیشود.

در چنین شکلی از دولت اغلب افراد، گروه ها، اصناف و سازمان ها به جای آنکه بر تولید ارزش اقتصادی تمرکز کنند به رقابت بر سر تصاحب رانت نفت می پردازند. مثلا در یک شهرستان نماینده بهتر کسی است که منابع ملی بیشتری را بتواند به حوزه انتخاباتی اش بیاورد ولو یک فرودگاه بین المللی برای یک شهر صد هزار نفری باشد.

برای این معضل راهکارهایی بیان شده نظیر تفکیک قوا یا توسعه دموکراسی ولی به نظر می رسد اولاً ماهیت این منابع سبب استقلال نسبی دولت از جامعه و در نتیجه عدم امکان اجرای چنین راهکارهایی میشود و ثانياً حتی در صورت اجرا باز این رقابت فاسد در سازوکار دموکراتیک با شفافیت بیشتر جریان می یابد.

راهکاری که به نظر بهتر است تغییر ماهیت اقتصاد سیاسی دولت از طریق افزایش سهم منابع غیررانتی نظیر مالیات و ایجاد شرایط فعالیت بخش خصوصی مولد به تبع آن است. یعنی دولت تا میتواند ناف منابع نفتی را قطع کند و به جای آن به اقتصاد درونزا اتکا کند که البته لوازمی نظیر توسعه سرمایه گذاری دارد. در کنار آن تخصیص منصفانه منابع نفتی بر اساس وضعیت معیشتی اشخاص در راستای کاهش فقر در طبقات فقیر جامعه میتواند سازمان رفاهی دولت را همزمان حفظ کند و مانع از بحران اجتماعی گردد.



آنچه آمارهای بین المللی از دستاوردهای دولت سیزدهم روایت می کنند...

آیا میدانید؟ آژانس بین المللی انرژی در سال ۲۰۲۳ از افزایش تولید نفت ایران به ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز خبر داده و اعلام کرده است که ایران توانسته جایگاه سوم خود در میان اعضای اوپک را از امارات پس بگیرد.

ایران با خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ در جایگاه پنجمین تولید کننده اوپک قرار گرفته بود و تولید نفت کشور به ۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافته بود؛ اما با روی کار آمدن دولت سیزدهم افزایش تولید نفت ایران شتاب گرفت و جایگاه ایران در اوپک بهبود یافت.

آنچه آمارهای بین المللی از دستاوردهای دولت سیزدهم روایت می کنند...

آیا میدانید؟ بانک جهانی، رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۳ را ۴٫۲ درصد اعلام کرده است که بالاتر از متوسط جهانی بوده است. این نهاد بین المللی در گزارش خرداد ماه سال گذشته با رویکردی بد بینانه پیش بینی کرده بود که اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳ تنها ۲٫۲ درصد رشد کند اما در انتهای سال ۲۰۲۳ به رشد بالای ۴ درصد اقتصاد ایران در این سال اذعان کرده است. رشد ۴٫۲ درصدی اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳ در حالی بوده که متوسط رشد اقتصادی جهان در این سال ۲٫۶ درصد بوده است.



روند شاخص مدیران خرید (شامخ)

شاخص مدیران خرید یا شامخ شاخصی از جهت غالب روندهای اقتصادی در بخش های تولیدی و خدماتی است. این شاخص به طور خلاصه نشان می دهد که آیا شرایط بازار در حال رکود، ثبات یا رونق است که توسط مدیران خرید مشاهده می شود. این شاخص که توسط مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اتاق ایران منتشر می شود، هر ماه پرسش نامه الکترونیکی خود را به ۴۰۰ کارگاه صنعتی فعال و بزرگ ارسال می کند و پاسخ های آن ها را دریافت می کند. در این پرسش نامه ها ۱۲ سوال پرسیده می شود که در نهایت عدد این شاخص عددی بین ۰ تا ۱۰۰ بدست می آید.

توسعه دیپلماسی اقتصادی توسط دولت آینده

علی چگنی



دکتر علی چگنی مدیرکل دیپلماسی اقتصاد مقاومتی وزارت امور خارجه در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت و گو درباره انتظارات از دولت آینده در حوزه دیپلماسی اقتصادی اظهار کرد: دیپلماسی اقتصادی یک موضوع جهانی است که به عنوان ابزار اقتصادی برای ارتقای روابط با خارج از کشور تعریف می شود.

وی میزان استفاده از دیپلماسی اقتصادی را ملاک ارزیابی دولت ها خواند و افزود: ما برای ارتباط با خارج از کشور ناگزیر هستیم که از این ابزار اقتصادی ویژه (دیپلماسی اقتصادی) به نحو درست استفاده کنیم و حداکثر استفاده را ببریم.

مدیرکل دیپلماسی اقتصاد مقاومتی وزارت امور خارجه با بیان اینکه اساس روابط بین الملل در دنیا عموماً با هدف تجاری و اقتصادی شکل می گیرد متذکر شد: اگرچه تبادلات فرهنگی و سیاحتی و مهاجرت نیز بخشی از دلایل این روابط را شامل می شوند اما هسته اصلی ارتباط ملت ها با یکدیگر از بحث های تجارت و اقتصاد شروع شده و آثار فرهنگی و سیاسی مترتب بر آن هم از همین مسئله است.

چگنی مطرح کرد: اگر نیازهای مختلف ملتها از طریق تجارت و سرمایه گذاری برطرف شود آثار فرهنگی و حل مشکلات سیاسی را نیز به دنبال خواهد شد چراکه بسیاری از بحران ها و قتل و غارت ها و کشورگشایی ها و تجاوزات ناشی از نبود اینگونه روابط است.

وی تصریح کرد: دیپلماسی اقتصادی یک ضرورت است که در گذشته بوده، الان وجود دارد و در آینده نیز خواهد بود و کسی نمی تواند آن را انکار کند اما چگونگی استفاده از این ابزار به هنر دولتمردان و سیاست گذاران و حاکمان یک کشور برمی گردد.

مدیرکل دیپلماسی اقتصاد مقاومتی وزارت امور خارجه با اشاره به اینکه همه مقامات کشوری در حوزه دیپلماسی اقتصادی سهم دارند گفت: وزارت امور خارجه به عنوان یک نهاد تسهیلگر کمک می کند که سازمان ها و نهادهای اقتصادی و تولیدکننده و بخش دولتی و خصوصی با بازار کشورهای هدف ارتباط بگیرند و صادرات و واردات داشته باشند.

چگنی در رادیو گفت و گو اظهار کرد: شهید آیت الله رئیسی برای

گسترش روابط اقتصادی با تمرکز بر همسایگان و کشورهای دوست و همسو اهتمام بسیار زیادی به موضوع دیپلماسی اقتصادی داشتند و موید آن هم گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه در این دوره بود.

وی برقراری روابط اقتصادی را برای دور کردن تهدیدات از منافع ملی کشور یک ضرورت خواند و گفت: شهید آیت الله رئیسی در این حوزه بسیار موفق عمل کردند. حجم روابط اقتصادی کشورمان در دوران ریاست شهید رئیسی، نزدیک به ۰۸۱ میلیارد دلار بوده که برای اولین بار در طول تاریخ کشورمان اتفاق افتاده و بی سابقه است.

مدیرکل دیپلماسی اقتصاد مقاومتی وزارت امور خارجه متذکر شد: موفقیت در حوزه دیپلماسی می تواند افتخار یک دولت در مقابل ملت باشد.

چگنی در پاسخ به این پرسش که رؤوس دیپلماسی اقتصادی در دولت آینده باید به چه سمتی باشد گفت: هر دولتی باید روی اصول طراحی شدهی نظام و بر مبنای برنامه پیشرفت پنج ساله حرکت کند لذا قطعاً توسعه تجارت و ادامه روابط با دنیا سرلوحه کار هر دولتی که سرکار بیاید، خواهد بود.

این مقام مسئول اضافه کرد: امیدواریم دولت آینده اجرای سیاست های شهید آیت الله رئیسی را ادامه دهد و با شتاب بیشتری روی برنامه هفتم کشور حرکت کند. هرچقدر حجم روابط اقتصادی کشورمان با دنیا افزایش پیدا کند تنش و تهدیدات از مرزها دورتر می شود و آرامش و آسایش بیشتری نصیب ملت ایران خواهد شد.

ضرورت تبادل محتوای ایران و هند هندی‌ها از نمایشگاه کتاب تهران چه کتاب‌هایی می‌توانند بخرند؟

گیتا سارن



گیتا سارن، پژوهشگر زبان فارسی، درباره تجربه‌های حضور خود در ایران گفت: من در ماه اکتبر حدود دو هفته به ایران سفر کردم. اکنون مشغول نوشتن پایان‌نامه دکتری هستم و فرصت کم است، اما ایران را همیشه دوست داشته‌ام و دوباره نیز به ایران خواهم آمد. من در این سفر اصفهان رفته پس نصف جهان را دیدم. در دوره‌های مختلف نمایشگاه کتاب دهلی از غرفه ایران هم بارها دیدن کرده‌ام، اما متأسفانه هنوز نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را از نزدیک ندیده‌ام.

وی در پاسخ به این سوال که: «در صورت حضور در نمایشگاه کتاب تهران دوست دارد چه کتاب‌هایی را خریداری کند؟» اشاره کرد: چون زبان فارسی بلدم، باید کتاب‌های ادبیات مثلاً دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی، مثنوی معنوی مولانا و شاهنامه فردوسی را خریداری کنم که مطالعه‌اش برای هرکسی که زبان و ادبیات فارسی می‌خواند، ضروری است. همچنین چون دانشجوی دکتری زبان فارسی هستم باید همه کتاب‌های عطار نیشابوری و آثار را که درباره اوست، نیز خریداری کنم. وقتی به ایران رفته همه این کتاب‌هایی که گفتم را آوردم.

سارن ادامه داد: من بیشتر ادبیات کلاسیک را خواندم پس اگر در نمایشگاه کتاب حضور پیدا کنم بیشتر کتاب‌های کلاسیک را می‌خرم. بعد از آن کتاب‌های مدرن و معاصر مثلاً آثار آثار جمالزاده و جلال آل احمد را تهیه می‌کنم. در حوزه شعر دیوان‌های فروغ فرخزاد و نیما یوشیج را باید داشته باشم. اگر فارسی را بلد نبودم به عنوان یک مسافر عادی آنجا آمده بودم، چون به زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایران خیلی علاقه‌مند هستم سراغ متون آموزشی اوستا می‌رفتم و اگر کتابی درباره زبان پهلوی بود حتماً می‌خریدم. کتاب‌هایی که درباره آموزش و معرفی زبان فارسی است و حتماً توضیحات انگلیسی داشته باشد.

وی افزود: متأسفانه در این سال‌ها از نظر ترجمه آثار بین ایران و هند شرایط مناسبی وجود ندارد. در صورتی که در تاریخ بین ایران و هند ترجمه بسیار

صورت می‌گرفته است. برای نمونه برزویه طبیب و جستجوگری‌اش باعث شد که متنی چون «کلیله و دمنه» ترجمه شود. با اینکه در حال حاضر تکنولوژی پیشرفت کرده، اما علاقه مردم کمتر شده است. بنابراین ترجمه هم باید بیشتر و هم جدی‌تر گرفته شود. متأسفانه معدود ترجمه‌های صورت گرفته خواننده نمی‌شود. اگر ترجمه کم باشد، اما جدی انجام شود، تأثیرگذاری خود را خواهد داشت. بسیاری از نویسندگان در هند محلی هستند و لزوماً به زبان هندی نمی‌نویسند شناخته شده نیستند. چون در هند فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلفی دارد و از شمال تا جنوب هند بسیار متفاوت هستند. پس توجه به ترجمه آثار این نویسندگان محلی مهم است. این کار خیلی سختی نیست. مثل نوشتن شاهنامه نیست.

سارن همچنین به کمبودهای آموزشی زبان فارسی در هند اشاره کرد و ادامه داد: من هندو هستم و زبان فارسی و زبان اردو را بلد

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به پیشینه غنی روابط فرهنگی بین ایران و هند، گفت: هند و ایران زمینه‌های مشترک بسیاری دارند. ما در فرهنگ و ادبیات از همدیگر تأثیر گرفته‌ایم و تأثیر گذاشته‌ایم. اگر زبان و ادبیات فارسی را در نظر داشته باشیم فارسی را هندی‌ها دوست دارند اما اکنون به اندازه گذشته رواج ندارد. هرچند که هم در دانشگاه و هم در مدارس زبان فارسی را آموزش می‌دهند. کتاب‌هایی که بویژه در دوران مغول‌های هند نوشته شده باید در دسترس ایرانیان باشد تا ببینند که چقدر زبان فارسی در هند رایج بوده است. همچنین می‌توان نقشه و اینفوگرافی این مسائل را با توجه به دوره‌های مختلف حکومتی مثل مغول‌ها و شاهان مسلمان در هند برای ایرانیان آماده کنند تا به فهم بهتر مخاطب کمک کند.

این دانش‌آموخته زبان فارسی به ضرورت تبادل محتوا میان ایران و هند اشاره کرد و ادامه داد: ما برای کودکان ایرانی داستان‌هایی

فیلمنت

سرتیپی، سریال‌های عجیب، تخلّفات محرزوبازی‌های تبلیغاتی فیلمنت

احسان رستگار

اتفاقاتی که طی یک سال و نیم اخیر دارند در «فیلمنت» رخ می‌دهند، بسیار توجه‌برانگیز و تعجب‌برانگیزند؛

زویایی ویژه که شاید در ظاهر پنهان به نظر برسند ولی با قدری تأمل، پیدا و قابل حدسند، منجر به رقم خوردن مسائلی در بعضی خروجی‌های فیلمنت می‌شوند که گویی، با هماهنگی اضلاعی فراتر از سکوی آقای علی سرتیپی در حال تحققند و گرنه احتمالاً هم‌چون بعضی موارد مشابه در برخی سکوی‌های دیگر، از حدود آن‌ها پیش از انتشار، جلوگیری به عمل می‌آمد.

با بررسی بازی‌های تبلیغاتی و بعضی جوانب عجیب و سؤال‌برانگیز مجموعه‌های نمایشی «پوست شیر»، «دفتر یادداشت»، «فعلی تهران» و نیز «در انتهای شب»، می‌توان این نکته را به وضوح دریافت که متأسفانه، انکار تخطی از قواعد و قوانین، به یک عرف و روند رایج در برخی محصولات فیلمنت بدل شده است؛

برای مثال، انتخاب عنوانی با نام ترانه‌ی معروف ابراهیم حامدی (لی) و پخش همان ترانه‌ی مشهور این خواننده‌ی سلطنت‌طلب و ضد ایرانی در «پوست شیر»، پخش ترانه‌هایی با صدای زن و خوانندگی خانم الهام پاهنژاد در «دفتر یادداشت»، ترانه‌های آمریکایی با صدای زن، مفاهیم ضد خانواده و مضامین موهن جهت ترویج سبک زندگی آمریکایی در «فعلی تهران» و جواشی اخیر «در انتهای شب»، شاهد این مدعا است که علی‌الظاهر، از فرندهای مألوف فیلمنت، ساختن دعاها و حاشیه‌سازی‌هایی است به واسطه‌ی وجود برخی صحنه‌ها در سریال‌هایش - که گاه از نظر روند اخذ مجوز نیز دچار اشکالاتی هستند- بتواند مخاطبین آثار و کاربران سکوی را افزایش دهد.

در هر صورت، باید به آقای «علی سرتیپی» تبریک گفت بابت بازی‌های طرازی‌شده‌ی تبلیغاتی موفق در فیلمنت، گرچه ناگفته نپیداست که بدون چفت شدن چرخنده‌های خاص بیرون فیلمنت با این شرکت، فیلمنت و سرتیپی هرگز نمی‌توانستند از خطوطی عبور کنند که تا به حال احدی امکان و مجال آن را نیافته و یا اگر کسی عدول کرده، هزینه‌هایی بسیار گزاف، پشیمان‌کننده و بازدارنده به وی تحمیل شده.

عدم نظارت صحیح و مخابره‌ی پیام‌هایی نظیر «ببینید مردم! ببینید مخاطبین! ببینید سینماگران!

ما خیلی ملوسیم و نمی‌خواهیم حذف کنیم و اگر به ما باشد، رقص آزاد است، لمس زن و مرد آزاد است، پخش صدای ابی آزاد است و خوانندگی زن هم آزاد است ولی خب خودتان می‌بینید که گروه‌های فشار و تندروها مجبورمان می‌کنند که سانسور کنیم».

خلاف اصول قانونی، حرفه‌ای و عقلانی مدیریت فرهنگی و حکمرانی یکپارچه فرهنگی است و از محورهای گفتمانی منحرف دولت حسن روحانی بود که سبب تقویت نگاه انحرافی «حاکمیت دوگانه و چندگانه در نظام» و جان انداختن آن در افکار عمومی بود.

اگر حدّاقل استانداردها و قوانین و قواعد نظارتی رعایت شوند، اصلاً صحنه‌هایی چون رقص زن و مرد در انتهای شب و صحنه‌هایی غلط‌تر از آن، به خروجی آن سکو نمی‌رسند که بعداً بخواهند یا حذف صحنه‌ای، آن چند روز بعد از پخشش، هم موجب جذب تماشاگر و محبوبیت بیشتر آن اثر شوند، هم نهادهای ناظر مربوطه، متهم شوند به سانسورچی و مزاحم بودن.

«چرخ‌ها و جاده‌ها»؛ روایتی دلنشین از زندگی در دل جنگ

در نشر شاهد منتشر شد؛

«چرخ‌ها و جاده‌ها»؛ روایتی دلنشین از زندگی در دل جنگ

کتاب «چرخ‌ها و جاده‌ها» به زندگی و خاطرات سردار جانباز مهرداد سرانندی از دوران پیش از انقلاب، دوران انقلاب و دوران دفاع مقدس می‌پردازد. مهرداد سرانندی در این کتاب روایتی دلنشین از خانواده‌اش، دوران کودکی و نوجوانی در شهر آبادان می‌کند و بعد وارد جریان انقلاب، پیوستن به بسیج و سپاه تهران و حوادث و رویدادهای آن زمان می‌شود و حوادثی که در آن حضور داشته را به تصویر می‌کشد و درفصول پایانی کتاب به رفتن به شهر قم و پیوستن به لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) و شرکت در عملیات‌های آن لشکر و شیوه جانباز شدنش می‌پردازد.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «به ما از قبل گفته بودند، وقتی جایی را می‌گیرید، نتوانستیم به شما آذوقه و مهمات برسانیم، اگر که خوردنی بود به شرطی که درست، کاملاً کیپ شده، کاملاً بسته‌بندی شده و چون مسلمان هستند، بیشتر حلال است. کمپوت و کنسرو و چیزی باشد، همه

اینها حلال است بخورید. ولی اگر هم یک وقتی مجبور شدید و چاره‌ای نبود، برای زنده ماندن می‌توانید هر چیزی بخورید چندین سال بود، خورشت بامیه نخورده بودیم.

بعد از سال‌ها آنجا دیدیم، قوطی‌های کنسرو و انواع و اقسام غذاهای خورشت‌دار و خورشت بامیه و انواع کمپوت بود ۱۵ ساعت بود که غذا نخورده بودیم. آب‌مان هم تمام شده بود، در این فکر بودیم که حالا دیگر پدافند کنیم. بایستم داخل سنگر، تا نیروی کمکی برسد. بالاخره صبح فرا رسید انگار عراقی‌ها عقب‌نشینی کرده بودند. با بچه‌ها شروع کردیم به خوردن کنسروهای عراقی‌ها نزدیک ظهر که شد دست از خوردن کشیدیم.

از این طرف غذا می‌خوریم، از آن طرف هم تشنه‌مان می‌شود، دیگر امید به نیروی کمکی نداشتیم، نه مهمات داشتیم نه آذوقه، عراقی‌ها هم با تانک راه افتاده بودند که بیاید جلو. دستور عقب‌نشینی بهمان داده بودند. همین‌طور چند نفری داشتیم می‌آمدیم عقب، هرجا یک سرپناهی پیدا می‌کردیم، کمی استراحت

نمودم و اینها را در دانشگاه آموختم. متن‌هایی که دوران مغول‌ها و دوران اکبرشاه ترجمه شده به خط نستعلیق است، اما اکنون در هند نستعلیق رایج نیست و این خط را در مرکزی که ما هستیم آموزش نمی‌دهند. پس وقتی من با این متن‌ها مواجه می‌شوم، شرایطم پیچیده می‌شود و نمی‌توانم آنها را بخوانم. ایران می‌تواند روی خط نستعلیق برای ما کار کند. پس مثل ترجمه ما باید روی خطها هم با هم کار کنیم. چون فقط فارسی زبان شما نیست زبان ما هم بوده. ما هم در ترجمه و خط، متن‌های قدیمی و نسخ خطی مثل «پادشاه نامه» و چند کتاب در سبک شاهنامه فردوسی را داشته‌ایم اما چون تصحیح نشده است ما نمی‌توانیم آنها را بخوانیم و استفاده کنیم. متأسفانه نه تنها در مرکز و دانشگاه ما این موارد را به دانشجویان آموزش نمی‌دهند، بلکه حتی هیچ رسیدگی خاصی هم نسبت به این کتاب‌ها و این نسخه‌های خطی صورت نمی‌گیرد.

سارن همچنین به کمبودهای آموزشی زبان فارسی در هند اشاره کرد و ادامه داد: من هندو هستم و زبان فارسی و زبان اردو را بلد

جنازه یک شهید...

چاپ اول کتاب «چرخ‌ها و جاده‌ها» در ۲۳۹ صفحه به قیمت ۱۹۰ هزار تومان در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در ۱۴۰۲ با نگارش آذرخزای سرچشمه از سوی نشر شاهد منتشر شده است.

می‌کردیم راه را گم کرده بودیم نمی‌دانستیم از کدام طرف باید برویم. نزدیک ظهر بود خیلی خسته و سنگین شده بودم، یک جای دیگر با بچه‌ها نشستیم پشت یک تپه ماندی بود سایه کمی داشت، دراز کشیدم ولی خوابم نبرد. یک‌دفعه یکی از بچه‌ها گفت: بچه‌ها نگاه کنید این یک شهید است، ما اصلاً حواس‌مان نبود. گفتم: نه بابا. سرم را گذاشته بودم روی



ایبنا



به جهان نابرابر جدید خوش آمدید

کیوان بهمنی

احتمالاً همه تا اکنون با مفهوم شکاف طبقه‌ای آشنا شده‌اید. این شکاف آنی که فاصله عدالت و برابری را از آن‌ها دور می‌کند. این مفهوم بر این توصیف وضعیت است. افرادی که در جهان دیجیتال زندگی می‌کنند، در حالی که برخی از آن‌ها حضور خود را در فضای دیجیتال نمی‌توانند برابری داشته باشند. این شکاف دیجیتال را می‌توان به این شکل تعریف کرد: «تفاوت در دسترسی به ابزارهای دیجیتال». این شکاف دیجیتال می‌تواند به این شکل تعریف شود: «تفاوت در دسترسی به ابزارهای دیجیتال». این شکاف دیجیتال می‌تواند به این شکل تعریف شود: «تفاوت در دسترسی به ابزارهای دیجیتال».

پیرامونش داشت. آن دو گانه‌ها فروپاشیدند اما عدالت همچنان مانند عروسری پرناز، حقیقت خود را بر هیچ‌کس آشکار نکرد. این روزها دور دور فانتزی‌بازهایی است که «نظریه‌ای در باب عدالت» جان رالز یا «عدالت» چه باید کرد؟» سندل را در دست گرفته و فخر آن را به دیگران بفروشند.

اکنون خواننده حق دارد پرسد ما آمده‌ایم در مورد جهان دیجیتال و امر سیاسی و تامل‌های حاصل از برخورد این دو بخوانیم، چرا نویسنده اینقدر دورخیز کرده است؟ می‌توانم اینگونه از خود دفاع کنم که «امر سایبر» و تمام شقوق آن، ما را وارد «جهان» دیگری کرده و مگر می‌شود ما انسان‌ها وارد مکان و فضایی شویم اما «عدالت» خود را به آنجا نرساند؟ ما اکنون در طبعه یک «جهان» و شاید یک «تمدن» جدید هستیم. این جهان قوانین خاص خود را دارد، قوانینی که هرگز بشر تاکنون تجربه نکرده است پس باید «عدالت» را در قامت همین قوانین بجوییم.

اما به راستی چرا ادعا می‌کنیم جهان سایبر قوانین منحصر به فردی دارد؟ پاسخ کوتاه آن است که اصل اول این جهان «بدن‌زدایی» است.

بدن و به طور عمومی‌تر «فیزیک» به عنوان عینیت معناهای متفاوت در جهان پیشاسایبر، در جهان سایبر محوریت خود را از دست می‌دهد. نمونه خیلی دم دستی آن، جا شدن میراث قرن‌ها تفکر و کشفیات بشری در «تراشه‌ای» چند میلی‌متری است. همین یک نکته نشان می‌دهد که با جهانی تا چه اندازه متفاوت رو به رو هستیم. اما روابط انسان‌ها در این جهان چگونه تنظیم خواهد شد؟ این دقیقاً همان پرسشی است که پای «عدالت» را به میان بحث خواهد آورد. اگر کسی به همین تراشه ریز که حاوی دانش‌های زیادی است دسترسی نداشته باشد آیا حق دارد فریاد برآورد که «به حاشیه» رانده شده است؟

باید در ابتدا ایران امروزمان را تصور کنیم. تصویر اولیه احتمالاً این باشد که ما هم‌راستا با جریان جهانی در حال حرکت به سمت «جهان جدید» و «تمدن سایبری» هستیم. البته که این تصویر شاید چندین نادرست هم نباشد. اما خیلی سریع قیدهایی قد علم می‌کنند که این تصویر شیرین اولیه را خراب می‌کند. کدام قیده‌ها؟ اگر بخواهیم نامی آشنا برای آن انتخاب کنیم همان «مرکز-پیرامون» است. وقتی از ایران امروز سخن می‌گوییم مقصودمان تنها تهران دوازده میلیونی به عنوان یک کلان‌شهر نیست. مثلاً «خورموج» هم جزئی از ایران است یا «قوچان» و یا «ختنج». اگر فردی در یکی از خیابان‌های خنج به خواب رود و در میدان کتاب تهران از خواب بیدار شود احتمالاً از شدت شوک‌زدگی دچار تشویش ذهنی خواهد شد. این نسبت با شبیهی کمتر میان مراکز استان‌ها و شهرستان‌های استان و حتی میان بالاشهر و پایین‌شهر تهران نیز قابل مشاهده است.

باید در ابتدا ایران امروزمان را تصور کنیم. تصویر اولیه احتمالاً این باشد که ما هم‌راستا با جریان جهانی در حال حرکت به سمت «جهان جدید» و «تمدن سایبری» هستیم. البته که این تصویر شاید چندین نادرست هم نباشد. اما خیلی سریع قیدهایی قد علم می‌کنند که این تصویر شیرین اولیه را خراب می‌کند. کدام قیده‌ها؟ اگر بخواهیم نامی آشنا برای آن انتخاب کنیم همان «مرکز-پیرامون» است. وقتی از ایران امروز سخن می‌گوییم مقصودمان تنها تهران دوازده میلیونی به عنوان یک کلان‌شهر نیست. مثلاً «خورموج» هم جزئی از ایران است یا «قوچان» و یا «ختنج». اگر فردی در یکی از خیابان‌های خنج به خواب رود و در میدان کتاب تهران از خواب بیدار شود احتمالاً از شدت شوک‌زدگی دچار تشویش ذهنی خواهد شد. این نسبت با شبیهی کمتر میان مراکز استان‌ها و شهرستان‌های استان و حتی میان بالاشهر و پایین‌شهر تهران نیز قابل مشاهده است.

برای توضیح این وضعیت چه مفهومی مناسب است؟ مفاهیمی مانند «شکاف طبقاتی» برای توضیح اینگونه وضعیت‌ها را بارها شنیده‌ایم و با تمام نارسایی‌هایی که ممکن است داشته باشد اما تا حدودی این اختلاف سطح را روشن می‌کند. این شکاف طبقاتی و این شکاف عمیق میان «مراکز و پیرامون‌ها» در جهان دیجیتالی شده نیز ادامه خواهد داشت و می‌توان نام «شکاف دیجیتالی» بر آن نهاد. در توضیح این مفهوم احتمالاً زحمت زیادی نیاز نباشد. با قدم زدن در خیابان‌های شهرهای مرکز و شهرهای پیرامون به آسانی می‌توان دریافت که جایگاه هر کدام از شهرها در جهان آینده چه خواهد بود و آیا ناعدالتی‌ها در زمان و مکان‌های پیشین در جهان پیش‌رو از میان خواهد رفت یا کماکان در شکلی دیگر تداوم خواهد داشت.

اما اگر بخواهیم دقیق‌تر به دنبال توضیح شکاف دیجیتال باشیم در ابتدا باید چند معیار را به میان آوریم تا بر مبنای آن به قضاوت بنشینیم. از میان همه معیارهای موجود به نظر می‌رسد چهار عنوان بیش از همه اهمیت دارد:

- دسترسی به اینترنت: ابتدایی‌ترین نیاز در جهان آینده دسترسی به اینترنت است زیرا بستر برقراری تمام ارتباطات اینترنت است و عدم دسترسی به آن عملاً مانند قطع اکسیژن برای یک انسان زنده است.
- دسترسی به ابزارها: جهان جدید ابزارهای خودش را دارد و بدون

بدن و به طور عمومی‌تر «فیزیک» به عنوان عینیت معناهای متفاوت در جهان پیشاسایبر، در جهان سایبر محوریت خود را از دست می‌دهد. نمونه خیلی دم دستی آن، جا شدن میراث قرن‌ها تفکر و کشفیات بشری در «تراشه‌ای» چند میلی‌متری است. همین یک نکته نشان می‌دهد که با جهانی تا چه اندازه متفاوت رو به رو هستیم. اما روابط انسان‌ها در این جهان چگونه تنظیم خواهد شد؟ این دقیقاً همان پرسشی است که پای «عدالت» را به میان بحث خواهد آورد. اگر کسی به همین تراشه ریز که حاوی دانش‌های زیادی است دسترسی نداشته باشد آیا حق دارد فریاد برآورد که «به حاشیه» رانده شده است؟

باید در ابتدا ایران امروزمان را تصور کنیم. تصویر اولیه احتمالاً این باشد که ما هم‌راستا با جریان جهانی در حال حرکت به سمت «جهان جدید» و «تمدن سایبری» هستیم. البته که این تصویر شاید چندین نادرست هم نباشد. اما خیلی سریع قیدهایی قد علم می‌کنند که این تصویر شیرین اولیه را خراب می‌کند. کدام قیده‌ها؟ اگر بخواهیم نامی آشنا برای آن انتخاب کنیم همان «مرکز-پیرامون» است. وقتی از ایران امروز سخن می‌گوییم مقصودمان تنها تهران دوازده میلیونی به عنوان یک کلان‌شهر نیست. مثلاً «خورموج» هم جزئی از ایران است یا «قوچان» و یا «ختنج». اگر فردی در یکی از خیابان‌های خنج به خواب رود و در میدان کتاب تهران از خواب بیدار شود احتمالاً از شدت شوک‌زدگی دچار تشویش ذهنی خواهد شد. این نسبت با شبیهی کمتر میان مراکز استان‌ها و شهرستان‌های استان و حتی میان بالاشهر و پایین‌شهر تهران نیز قابل مشاهده است.

برای توضیح این وضعیت چه مفهومی مناسب است؟ مفاهیمی مانند «شکاف طبقاتی» برای توضیح اینگونه وضعیت‌ها را بارها شنیده‌ایم و با تمام نارسایی‌هایی که ممکن است داشته باشد اما تا حدودی این اختلاف سطح را روشن می‌کند. این شکاف طبقاتی و این شکاف عمیق میان «مراکز و پیرامون‌ها» در جهان دیجیتالی شده نیز ادامه خواهد داشت و می‌توان نام «شکاف دیجیتالی» بر آن نهاد. در توضیح این مفهوم احتمالاً زحمت زیادی نیاز نباشد. با قدم زدن در خیابان‌های شهرهای مرکز و شهرهای پیرامون به آسانی می‌توان دریافت که جایگاه هر کدام از شهرها در جهان آینده چه خواهد بود و آیا ناعدالتی‌ها در زمان و مکان‌های پیشین در جهان پیش‌رو از میان خواهد رفت یا کماکان در شکلی دیگر تداوم خواهد داشت.

اما اگر بخواهیم دقیق‌تر به دنبال توضیح شکاف دیجیتال باشیم در ابتدا باید چند معیار را به میان آوریم تا بر مبنای آن به قضاوت بنشینیم. از میان همه معیارهای موجود به نظر می‌رسد چهار عنوان بیش از همه اهمیت دارد:

۱- دسترسی به اینترنت: ابتدایی‌ترین نیاز در جهان آینده دسترسی به اینترنت است زیرا بستر برقراری تمام ارتباطات اینترنت است و عدم دسترسی به آن عملاً مانند قطع اکسیژن برای یک انسان زنده است.

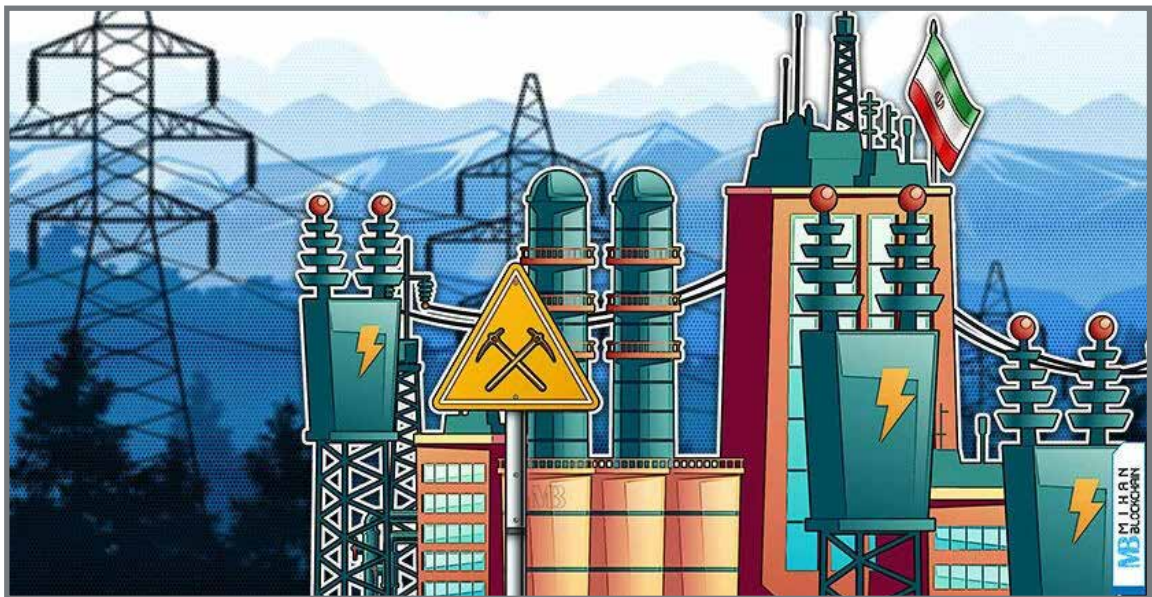
۲- دسترسی به ابزارها: جهان جدید ابزارهای خودش را دارد و بدون

همه انواع استخراج رمزارزها انرژی را به هدر نمی‌دهند

ابوالقاسم رجبی

با توجه به تسلط رژیم اشغالگر قدس بر بازار انرژی، به نظر می‌رسد اینترنت‌نشده‌ها به عنوان نشانه‌ها در حال آماده‌سازی ذهن‌های ایرانیان برای ضرر به خوردن از سوی این رژیم باشند.

اعمال سیاست‌های سلبی و ایجابی در حوزه استخراج رمزارز است. به نظر می‌رسد خطر اصلی ناشی از گسترش استخراج رمزارزهایی مانند اتریوم در منازل شخصی است. استخراج رمزارز بیتکوین در مزارع بزرگ و با تجهیزاتی که مصرف محسوس و با قابلیت ردیابی و کشف بالاتر دارند انجام می‌شود اما مجموع مصرف برق در منازل شخصی برای استخراج اتریوم احتمالاً کمتر از ۱۲ مگاوات هست. استخراج رمزارزهایی شبیه اتریوم به مصرف برق کمتر و البته به تجهیزات گران قیمت‌تر و با ارزشی بالاتری نیاز دارد و از همه مهم‌تر ردیابی آن سخت‌تر است و می‌تواند موجب افزایش غیر قابل کنترل مصرف برق خانگی شود.



طلبکاران بیکار

اسماعیل فخریان

آنها که فقط آرمان‌های اسلامی را می‌گویند و بر منابرشان از آزادی، عدالت، پیشرفت، رفاه و... سخن می‌رانند چرا از آنچه از این آرمان‌ها محقق شده نمی‌گویند؟ چرا واقعیت‌ها را نمی‌گویند؟ چرا نمی‌گویند در آزادی- با انواع و اقسام و مصادیق اسلامی‌اش- کجا بودیم و الآن کجا هستیم؟!

چرا نمی‌گویند در عدالت- با تمام ذیولش- کجا هستیم؟ چرا نقطه شروع و نقطه فعلی را با هم مقایسه نمی‌کنند. چرا از راه طی شده نمی‌گویند؟ چرا از پیچیدگی‌های طی مسیر پیشرفت و عدالت نمی‌گویند؟ چرا از فرآیند تحقق آرمان‌ها نمی‌گویند؟ چرا رفاه و پیشرفت به دست آمده در حرکت انقلاب، که به دست مردم رقم خورده را نمی‌گویند؟ مگر می‌توان آرمان‌ها را روی دست گرفت و واقعیت‌ها را ندید؟ آرمان‌گویی و آرمان‌خواهی، لازم و خوب و جذاب است. اما بی‌انصافی محض است اگر از تحقق آرمان‌ها- به هر میزان که هست- نگوئیم. اینها چرا شانه‌شان را زیر بار پیاده شدن آرمان‌ها نمی‌دهند؟

حواستان باشد، آرمان‌خواهان تنبل، آرام آرام اپوزیسیون می‌شوند. می‌شوند طلبکاران بیکار. کز و فرش‌شان زیاد می‌شود، اما کمک‌شان کم. فرق اساسی امام با دیگر مصلحان عصر این بود که او به گفتن اکتفا نکرد. عینیت داد. آنچه را که گفت، آنچه را که خواست، آنچه را که حق می‌دانست، آنچه را که لازم بود، پیاده کرد! اگر از مکتب امام می‌گوئیم، همچون امام باشیم، خودمان را هزینه کنیم. بیاییم وسط میدان، بقیه را هم بیاوریم تا همان را که می‌گوئیم و می‌خواهیم، بشود.

بیا تو هم یک گوشه کار را بگیر! یک روز هم تو بگو فلان جا را من آباد کردم. فلان مشکل را من حل کردم. فلان بار را من برداشتم. فلان هزینه را من دادم. فلان گره را من گشودم. فلان غصه را من زدادم. تو هم بیا...

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸ - ۰۹۹۳۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



سر تپیی، سریال‌های عجیب، تخلفات محرزوبازی‌های تبلیغاتی فیلم‌نت

عدم نظارت صحیح و مخابره‌ی پیام‌هایی نظیر «ببینید مردم! ببینید مخاطبین! ببینید سینماگران!»

1

ضرورت تبادل محتوا میان ایران و هند

ایران و هند روابط تاریخی درازدامنی داشته‌اند، اما امروزه از نظر ترجمه بین دو کشور فاصله افتاده است. در هند زبان فارسی آموزش داده می‌شود، اما منابع کم است و نمایشگاه کتاب تهران محل مناسبی برای تهیه ادبیات کلاسیک فارسی است.

1



تا می‌توانید به والدین خود نیکی کرده،
به ویژه به مادر خود...

بی‌واسطه احسان و محبت کنید

(سوره احقاف آیه ۱۵)

درآمد میلیاردی از «فحش»!

فریدون حسن



با دیدن این مبلغ باید تأسف خورد به حال فوتبالی که سال‌هاست مثلاً حرفه‌ای است، اما حتی نمی‌تواند اخلاق حرفه‌ای را رعایت کند، چه برسد به اینکه به لحاظ فنی حرفه‌ای باشد. با فوتبالی که تنها ۸۰ میلیارد تومان از «فحش» و بی‌اخلاقی درآمد دارد باید چه کرد؟ فوتبالی که این هنرش را هم باید به پرونده فساد مدیران، مربیان و بازیکنانش اضافه کرد تا متوجه شد با چه مجموعه‌ای طرف هستیم. مجموعه‌ای که هزینه فحش‌های آن ۸۰ میلیارد می‌شود، قطعاً رقم پرونده فسادش در مخیله ما هم نمی‌گنجد. نکته دیگری که باید به آن توجه داشت اینک این مبلغ هنگفت (که احتمالاً با توجه به اعتراض‌ها و شکسته شدن رأی‌ها در کمیته استیناف کمتر از این مبلغ است، ولی خوب قابل توجه است) در کجا و چگونه خرج شده یا اصلاً چه سرنوشته‌ی پیدا کرده است؟ به‌طور حتم چنانچه این مبلغ و مبالغ فصل‌های قبل که حتماً کمتر از این نبوده در راستای اعتلای اخلاق فوتبال هزینه می‌شد امروز شاهد این حجم عظیم بی‌اخلاقی نبودیم. حالا یکی پیدا شود و بگوید که چنین مبلغ هنگفتی سر از کجا درآورده که با وجود آن فوتبال ایران بی‌اخلاق‌تر از هر زمان دیگری به آخر دره انحطاط نزدیک‌تر می‌شود؟!

در خبرها آمده بود که کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال از محل جریمه لیگ برتری‌ها در جریان مسابقات فصل گذشته لیگ و جام حذفی مبلغ ۸۰ میلیارد و ۳۳۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان درآمد داشته است. در وهله اول باید گفت که چنین مبلغ بالایی نشان از سقوط اخلاق مداری در فوتبال دارد، یعنی کار به جایی رسیده که دیگر جرایمی با مبالغ ریز و کوچک جویگو نیست و حتماً باید مبالغی در خور توجه در جریمه‌ها لحاظ شود تا شاید خاطیان و متخلفان به خود ببینند و دست از بی‌اخلاقی و پریدن بهم بردارند.

البته در این میان باید اذعان کرد حتی این مبالغ بالا هم نتوانسته کاری از پیش ببرد که اگر مؤثر بود، امروز شاهد این نبودیم که فلان بازیکن با فحاشی پاسخ سوالات را بدهد یا فلان مربی برای تمام لیگ خط و نشان بکشد یا بدتر از همه این‌ها دو مدیرعامل با سخیف‌ترین ادبیات ممکن از خجالت هم دربیایند. تمام این‌ها یعنی اینکه مبلغ بالای جریمه حتی تلنگر هم به جماعت فوتبالی نزنه که هر روز افسارگسیخته‌تر از قبل به‌هم می‌پزند. بدیهی است که در این میان نباید از درآمدهای بالای این قماش هم غافل بود که چنین مبالغی بابت جریمه را در حد پول خرد جیب‌شان می‌دانند و به راحتی آن را پرداخت می‌کنند یا اینکه سعی می‌کنند با متوسل شدن به انواع و اقسام سفارشات و لابی‌گری‌ها از پرداخت آن هم سرپاز زنند. مسئله این است که این حجم بالای جریمه نتوانسته تأثیری در حال و هوای فوتبال و بهبود وضع اسفبار اخلاق در آن بگذارد، یعنی این جریمه‌ها مانعی برای بی‌اخلاقی فوتبالی‌ها نبوده است. یعنی آن‌ها جریمه می‌شوند، اما با پوزخند به همه، حتی کمیته انضباطی کار خودشان را می‌کنند، درست مانند خلافتی که با وقاحت می‌گوید: «جریمه‌اش را می‌دهم.»



واکنش ربیعی به شایعه توزیع سکه بین افراد مختلف

سر مربی پیشین مس رفسنجان:
چطور می‌شود کسی که سمت حقوقی در فدراسیون فوتبال دارد اتهام بزند؟ حتماً شکایت می‌کنم.
اجازه نمی‌دهم کسی با آبروی من بازی کند. به زودی با مدارک کامل می‌آیم و حرف می‌زنم. اینکه می‌گویند بنده سکه توزیع کرده‌ام کذب محض است
صبرم لبریز شده است از دستگاه قضایی تقاضا دارم هرچه سریعتر موضوع فساد را بررسی کنند و نتیجه آن را اعلام کنند تا همه در جریان قرار بگیرند.



تأیید مجوز حرفه‌ای باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس

با اعلام رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا، مجوز حرفه‌ای باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس تأیید شد.
کنفدراسیون فوتبال آسیا به صورت رسمی اسامی باشگاه‌هایی که مجوز حرفه‌ای جهت حضور در لیگ نخبگان و سطح دوم لیگ قهرمانان آسیا را دریافت کرده‌اند، اعلام کرد که باشگاه‌های استقلال، پرسپولیس، آلومینیوم اراک، فولاد خوزستان، سپاهان، گل گهر و تراکتور موفق به دریافت مجوز حرفه‌ای شدند.

ترس مسببان پشت پرده از پرونده فساد

شیوا نوروزی



شفاف‌تر شود. نماینده مردم فیروزآباد و فراشبند نیز دیروز در نطق میان‌دستور خود بر لزوم برخورد با فساد در ورزش تأکید کرد. محمدمهدی فروردین با اشاره به این مسئله اظهار داشت: «برخی فکر می‌کنند، برخورد با فساد در ورزش مغل

امینیت در ورزش است، اما این عکس قضیه و نقطه مقابل حقیقت است و برخورد با فساد در ورزش موجب امنیت در این فضا می‌شود. متأسفانه اخبار فساد در فوتبال این روزها در صدر اخبار کشور قرار گرفته و این ورزش مردمی که به قلب و روح بسیاری از جوانان و مردم ما نفوذ کرده درگیر مشکلات جدی از جمله فساد در داورها و سوءمدیریت در سطوح مختلف شده است و هر روزه گزارش‌های متعددی از تخلف‌ها و فساد در داورهای فوتبال به گوش می‌رسد و این تخلفات نه تنها عدالت در مسابقات ورزشی را زیر سؤال می‌برد، بلکه اعتماد عمومی را نیز خدشه‌دار می‌کند. چرا برخوردهای جدی از سمت مسئولان ورزشی کشور برای مبارزه با فساد در ورزش صورت نمی‌گیرد تا آثار وضعی آن در جامعه ورزش مشخص شود؟ این پرسش‌ها به دنبال خود سوالات بیشتری را مطرح می‌کند که چه شبکه‌هایی از فساد وجود دارد که باعث می‌شود این اتفاقات طی سال‌ها روی دهد و مدیران ورزش در زمان مناسب متوجه نشوند.»

مهدی تاج و همه کسانی که در فدراسیون مسئولیت دارند، این است که در بحث فساد، نباید از انجام وظیفه شانه خالی کنند. برخی از افراد بازداشت شده جزو ارکان مدیریتی فدراسیون بودند، یعنی فساد تا ارکان مدیریت فدراسیون هم پیش آمده و فدراسیون باید در این خصوص پاسخگو باشد. همچنین باید با فساد در فوتبال بدون نگاه رنگی، تیمی یا طیفی برخورد شود. هرچه جلوتر می‌رویم برخورد با فساد به نفع ورزش و هواداران و تیم‌های ماست. اگر ورزش ایران به سمت سلامت برود، اما و اگرها در خصوص داورها، مربیگری و رسانه‌های برخط از بین می‌رود.»

این نماینده مجلس همچنین از امنیتی بودن این پرونده خبر داد: «به‌عنوان رئیس کمیته سیاسی، نظامی و امنیتی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی می‌گویم، مطرح شدن بحث پول‌های کثیف در ورزش ما، رگه‌های امنیتی - سیاسی با برخی از عناصر ورزش فعال در دستگاه ضدانقلاب پیدا کرده است و در واقع این پرونده ابعاد سیاسی - امنیتی دارد. مجلس و کمیسیون اصل ۹۰ این موضوع را رها نخواهد کرد، چراکه این مسئله دیگر صرفاً مسئله فوتبالی و ورزشی نیست، بلکه به امری سیاسی - امنیتی تبدیل شده است. رسانه‌های بیگانه برخط امروز در مورد کلیت ورزش کشور لجن‌پراکنی می‌کنند. براساس گزارش دستگاه‌های مسئول، این رسانه‌ها از همین پول‌های کثیف ردوبدل شده در داخل تغذیه می‌کنند. با توجه به فضای اختاپوسی پیرامون برخی باشگاه‌ها که توسط برخی دلان درست شده یا شرط‌بندی‌هایی که در خارج از کشور ردیابی شده است، کمیسیون اصل ۹۰ این موضوع را رها نخواهد کرد. نحوه فساد در برخی باشگاه‌ها، فضای دلالی، تأثیرگذاری در نتایج بازی‌ها یا چینیس داوران مورد بررسی قرار گرفته و دیدیم در فضای ورزش جهان نیز چنین مسائلی وجود دارد. پرونده کالچوپولی سقوط یوونتوس به دسته پایین‌تر یکی از آنهاست. بررسی کردیم که در جهان وضعیت‌مان حادث‌تر هست یا نه و دیدیم که نه اینگونه نیست. مبارزه با فساد هزینه دارد و حالا که این پروسه آغاز شده، ان‌شاءالله فدراسیون فوتبال نیز همراهی‌های لازم را انجام خواهد داد تا همه چیز

پرونده جدید فساد در فوتبال با جدیت پیگیری می‌شود و همین جدیت و پیگیری مسئولان امر است که ترس و نگرانی بر دل مسببان و متهمان پشت‌پرده انداخته است. روشن شدن ابعاد تازه از پرونده فساد در باشگاه مس‌رفسنجان از سوی رئیس کل دادگستری استان کرمان نشان داد بسیاری از متهمان اصلی ماجرا تحت پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند و برخی نیز راهی زندان شده‌اند. همچنین معلوم شد داستان به همین جا ختم نمی‌شود و باید منتظر رو شدن پرونده‌ها و موارد دیگر هم باشیم.

در این اوضاع بحرانی، اقدام شتابزده فدراسیون فوتبال در انتشار یک بیانیه دیگر و همچنین ارسال نامه مهدی تاج به رئیس کل دادگستری کرمان بحث‌برانگیز بوده است. با توجه به شایعه دست داشتن برخی دیگر از مدیران ارشد فدراسیون در پرونده مذکور، فدراسیون با منتشر کردن بیانیه همه چیز را تکذیب و شایعه‌سازان را تهدید به پیگیری قضایی کرد. علاوه بر این رئیس فدراسیون هم طی نامه‌ای به حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم حمیدی، خواستار اطلاع از ابعاد ماجرای مس‌رفسنجان جهت پیگیری ماجرا با آگاهی بیشتر شده است.

تاج در شرایطی این نامه را نوشته که اصل ماجرا همان پرونده فساد است، نه اینکه مس‌رفسنجان سقوط می‌کند یا کدام تیم جایگزین آن خواهد شد. طبق اعلام مسئولان، ابعاد ماجرا گسترده‌تر از این حرف‌هاست و دانه‌درشت‌ها در این پرونده نقش‌های مهمی را ایفا کرده‌اند. در روزهایی که همه منتظر شنیدن نام دیگر متهمان هستند، به نظر می‌رسد برخی با پیش کشیدن موضوع سقوط مس‌رفسنجان و تلاش پیکانی‌ها برای بازگشت به لیگ‌برتر، نیتی جز انحراف افکار عمومی و مختومه کردن پرونده را ندارند.

با این حال دستگاه قضایی و مجلس شورای اسلامی به جد پیگیر موضوع سالم‌سازی فوتبال ایران هستند. علی‌خضریان با حضور در برنامه تلویزیونی به صورت شفاف با مردم صحبت کرد و به آن‌ها اطمینان داد با متخلفان برخورد قاطع خواهد شد. نماینده مردم تهران در بخشی از صحبت‌های خود از مسئولیت فدراسیون فوتبال در پرونده فساد گفت: «انتظار ما در مجلس از